بسم الله الرحمن الرحیم

به سوی نور

مباحثی پیرامون امام زمان (عج)



Contents

[«شباهت امام زمان(ع) با پيغمبران»(1) 5](#_Toc9527085)

[«شباهت امام زمان(ع) به پيغمبران(ع)» (2) 8](#_Toc9527086)

[«شباهت امام زمان(ع) با ائمه معصومين عليهم رحمه» 11](#_Toc9527087)

[«شباهت امام زمان(ع) با سيد الشهدا امام حسين(ع)» 14](#_Toc9527088)

[«برخي از نشانه‌هاي حتمي ظهور» 6 16](#_Toc9527089)

[«عوامل غيبت» 3 18](#_Toc9527090)

[«آزمايش شيعه در دوران غيبت» 8 20](#_Toc9527091)

[« فوايد دعا براي تعجيل فرج » (1)‌ ش 16 23](#_Toc9527092)

[« آشنايي بيشتر با امام زمان عليه السلام (2)‌» 17 26](#_Toc9527093)

[«لزوم بهره‌مندي منتظران از دين شناسي بنيادين» 18 29](#_Toc9527094)

[ولادت نور 19 32](#_Toc9527095)

[«امام زمان (عج) در قرآن كريم.» 20 34](#_Toc9527096)

[«لزوم آراستگي به عدالت و تقوا در منتظران.» 21 36](#_Toc9527097)

[« مهدي(ع)ساحل سبز اميد » 22 38](#_Toc9527098)

[« لزوم اصلاح طلبي و ظلم ستيزي در منتظران » 23 40](#_Toc9527099)

[ِ « انتظار ويرانگر چيست ؟ » 26؟ 42](#_Toc9527100)

[لزوم اصلاح طلبي و ظلم ستيزي در منتظران (2) 22؟ 44](#_Toc9527101)

[« كيفيت بهره وري از امام غائب(ع)» 26 46](#_Toc9527102)

[« انتظار سازنده » 27 48](#_Toc9527103)

[« يالَثارات الحسين » 30 50](#_Toc9527104)

[« غيبت كبري ، آزمايش بزرگ » 31 53](#_Toc9527105)

[«احاديثي راجع به وضع اجتماع پيش از ظهور» 55](#_Toc9527106)

[«مهدي موعود(ع) در اديان ديگر جهان»(1) 58](#_Toc9527107)

[«آشنايي بيشتر با امام عصر»(1) 61](#_Toc9527108)

[«برخي از ويژگي‌هاي ظاهري حضرت مهدي(ع)» 64](#_Toc9527109)

[« مهدي(ع)ساحل سبز اميد » 66](#_Toc9527110)

[ِ « انتظار ويرانگر چيست ؟ » 28 68](#_Toc9527111)

[« لزوم اصلاح طلبي و ظلم ستيزي در منتظران » 29 70](#_Toc9527112)

[« امام شناسي و زيارت جامعه » 72](#_Toc9527113)

[« قيام زمينه سازان از مشرق » 75](#_Toc9527114)

[«شباهت امام زمان(ع) به 78](#_Toc9527115)

[پيغمبران عليهم السلام.»(3) 78](#_Toc9527116)

[مسابقه ميلاد نور 81](#_Toc9527117)

# «شباهت امام زمان(ع) با پيغمبران»(1)

**شباهت به نوح(ع):**

«از امام صادق(ع) و امام هادي (ع) روايت است كه نوح(ع) دو هزار و پانصد سال عمر كرد. و حضرت قائم(ع) نيز تا كنون افزون بر هزار و صد و شصت و هفت سال عمر كرده‌اند.» (مكيال مكارم ج1،ص199)

-نوح(ع) زمين را با سخن خود از كافرين پاك كرد و گفت«پروردگارا بر روي زمين ديار البشري از كافران قرارنده» (سوره نوح، آيه 26)

قائم (ع) نيز زمين را از وجود كافرين پاك مي‌گرداند تا جائيكه هيچ اثري از آنها نمي‌ماند.

فرج نوح واصحابش راخداوندآنقدربه‌تأخيرانداخت‌تا اينكه بيشتر معتقدين به آن حضرت برگشتند. فرج قائم (ع) را نيز خدا آنقدر به تأخير مي‌اندازند كه بيشتر معتقدين به امام عصر (عج) از او بر مي‌گردند. (كمال الدين،ج2،ص385)

-نداهاي نوح به شرق و غرب عالم مي‌رسيد و اين يكي از معجزات آن حضرت بود در حالي كه قائم(ع) نيز به هنگام‌ظهوربين‌ركن‌و‌مقام‌درمكه‌مي‌ايستد‌وفريادي برمي‌آورد كه‌تمامي عالميان‌مي‌شنوند. (بحار الانوار، ج53، ص 7)

**شباهت با ادريس(ع):**

ادريس (ع) جد پدر نوح (ع) است كه خداوند او را به جايگاه بلندي در آسمان بالا برد. در مجمع البيان از مجاهد نقل شده كه گفت:«ادريس به آسمان بالا برده شد، همانطور كه عيسي(ع) به آسمان برده شد، در حالي كه زنده بود و نمرده بود؛ ديگران گفته‌اند: بين آسمان چهارم و پنجم قبض روح شد.» (مجمع البيان ج6،ص519) امام عصر(ع) نيز توسط خدا به جايگاه والايي به آسمان برده شد.

-غيبت ادريس(ع) به طول انجاميد به حدي كه پيروان او در سختي و فشار و مشقت واقع شدند. قائم(ع) نيز غيبتش طولاني مي‌شود تا جائيكه شيعيان امام عصر(ع)

به منتهاي سختي و فشارواقع‌شوند. (مكيال المكارم، ج1،ص202)

-وقتي غيبت ادريس(ع) طولاني شد مردم بر توبه اتفاق كردند و خدا هم ادريس را ظاهر ساخت. امام زمان (ع) نيز همين طور است كه اگر مردم توبه كرده و تصميم به ياريش داشته باشند، امر ظهور تحقق مي‌پذيرد. شباهت به هود(ع):

خدا كافرين در زمان هود (ع) را به وسيله باد عقيم هلاك كرد. چنانچه خداوند مي‌فرمايد: «فارسلنا عليهم الريح العقيم ماتذر من شي اتت عليه الا جعلته كالرميم.» (سوره ذاريات، آيه 42و 41)

امام‌زمان(ع) نيزچنان‌است‌كه‌خداوندمتعال‌باظهوراو،جمعي

ازكافرين‌رابا بادسياهي‌نابودمي‌كند. (مكيال الكارم،ج1،ص203)

**شباهت به صالح(ع):**

صالح(ع) مدتي از قومش غايب شد. در آن حال جواني خوش هيكل و خوش اندام بود. اما بعد از ظهورش به سبب پيري مردم درباره او سه دسته شدند: اهل يقين، اهل شرك و اهل انكار. در مورد امام زمان(ع) نيز چنين است كه آن حضرت به صورت جواني كمتر از چهل سال ظهور مي‌كند و اهل انكار را مي‌كشد و اهل يقين از امام زمان(ع) علامت مي‌خواهند و بعد با او بيعت مي‌كنند. (مكيال المكارم ج1،ص204)

**شباهت به شيث(ع):**

شيث(ع) اجازه نيافت كه علم خود را آشكار كند، همانطور كه امام زمان(ع) نيز اجازه نيافته تا روز و وقت معين. درباره امام زمان(ع) گفته شده: هنگام ولادت بر زانو قرار گرفت ، دو انگشت سبابه‌اش را به سوي آسمان بلند ‌كرد و عطسه‌اي زد و گفت: الحمد الله رب العالمين و صلي الله علي محمد و آله. ستمگران پنداشته‌اند كه حجت خدا باطل و نابود است، و حال آنكه اگر در سخن گفتن به ما اجازه داده شود شك از بين مي‌رود. ( كمال الدين ، ج 2، ص430)

**شباهت به هابيل(ع):**

نزديكترين و خويشاوندترين افراد، هابيل را كشت يعني برادرش. همچنين قصد كشتن امام عصر(عج) را نزديكترين و خويشاوندترين افراد يعني عموي آن حضرت، جعفر كذّاب داشت. (مكيال المكارم ،ج1،ص198)

**شباهت به يعقوب(ع):**

يعقوب (ع) براي يوسف(ع) آنقدر گريست تا اينكه چشمانش از اندوه سفيد شد در حالي كه خشم خود را فرو مي‌برد. (سوره يوسف، آيه 84)

امام زمان(ع) نيز براي جدش امام حسين(ع) بسيار مي‌گريد و در زيارت ناحيه فرمودند:« و لا بكين عليك بدل الدموع دماً.»يعني: به جاي اشك بر تو خون مي‌گريد. (بحار الانوار، ج1،ص320)

-يعقوب(ع) منتظر فرج بود و مي‌گفت:«الا تياسوامن روح الله انه لا يياس من روح الله الا القوم الكافرين»

امام زمان(ع) نيز منتظر فرج است.

**شباهت به يونس(ع):**

يونس(ع)پس از غيبتي كه داشت در سن پيري، ولي در قافيه جواني به سوي قومش برگشت. امام زمان(ع) نيز همين گونه است. (كمال الدين، ج1،ص327)

**شباهت به يحيي(ع):**

يحيي(ع) در شكم مادر سخن گفت. قائم(ع) نيز در شكم مادر سخن گفت و سوره قدر را قرائت كرد.

(كمال الدين، ج2،ص428)

# «شباهت امام زمان(ع) به پيغمبران(ع)» (2)

**شباهت به لوط(ع):**

فرشتگان براي ياري لوط نازل شدند.«قالو يا لوط انا رسل ربك لن يصلوا اليك» (سوره هود، آيه 81)

يعني: گفتند اي لوط همانا ما فرستادگان پروردگارت هستيم. هرگز دست آزار آنان به تو نمي‌رسد.

قائم(ع) نيز فرشتگان براي ياري او فرود خواهند آمد.

**شباهت به يوسف(ع):**

يوسف(ع) زيباترين اهل زمان خود بود. حضرت حجت(ع) نيز زيباترين اهل زمان خود مي‌باشد با چهر‌ه‌اي بسان ماه شب چهارده.

هر كجا مي‌گذرم وصف جمالش شنوم

هر كجا مي‌نگرم شمع رخش در نظر است

يوسف(ع) مدتي طولاني غايب شد تا اينكه برادران بر او وارد شدند و يوسف آنها را شناخت اما برادران او را نشناختند (سوره يوسف، آيه 88)

امام زمان(ع) نيز از خلق غايب است، اما در عين حال در ميان مردمان راه مي‌رود و آنان را مي‌شناسد ولي مردم امام زمان(ع) را نمي‌شناسند. پس بايد دانست كه هر لحظه امكان دارد در محضر آقا باشيم. پس در اعمال خود دقت كنيم!

-شيخ صدوق در كمال الدين از امام باقر(ع) روايت كرده:«در صاحب اين امر شباهتي (سنتي) از يوسف(ع) هست‌وآن‌اينكه‌خدا‌در‌يك شب امر او را اصلاح مي‌كند.»

پس همه ما بايد خود را نزديك ظهور بدانيم و اين احتمال را بدهيم كه فردا ممكن است روز ظهور باشد. اين حالت اميد و انتظار را در آدمي بوجود مي‌آورد.

**شباهت به شعيب(ع):**

شعيب(ع) در قوم خود گفت:«بقيه الله خير لكم ان كنتم مؤمنين» امام زمان(ع) نيز هنگامي كه خروج مي‌كند به كعبه تكيه مي‌زند و سيصد و سيزده نفر به نزدش حاضر مي‌شوند و اولين سخني كه به زبان مي‌آوردند ايـن آيـه (سوره هود آيه 86) خواهد بود.

-شعيب(ع)، تذكيب كنندگانش به آتشي كه از ابري كه بر آنها سايه افكنده بود بيرون مي‌آمد ، سوختند. چنانچه خداوند متعال مي‌فرمايد:«فكذبوه فاخذهم عذاب يوم الظله انه كان عذاب يوم عظيم.»

قائم (ع) نيز تمام بتها و معبود‌هاي غير از خدا را در زمان ظهورش خواهد سوخت.

**شباهت به يوشع(ع):**

-يوشع(ع) پس از وفات موسي(ع)، منافقان امت آن حضرت با او جنگ كردند. قائم(ع) نيز، منافقان اين امت با او جنگ خواهند كرد.

-يوشع(ع)، خورشيدبرايش‌بازگشت.قائم(ع)نيزباماه‌وآفتاب‌ سخن‌مي‌گويد وآنهاراصدامي‌زند وآنهابه‌او پاسخ مي‌دهند.

**شباهت به حزقيل(ع):**

خداوند متعال،مردگاني را براي حزقيل(ع) زنده مي‌كرد. براي امام زمان(ع) نيز چنين خـواهد بـود كـه بـراي او مردگاني از مؤمنين و كافرين‌ومنافقان‌را زنده‌خواهد كرد.

**شباهت به داود(ع):**

خداوند داود (ع) را در زمين خليفه قرار داد و فرمود:«يا داود انا جعلناك خليفه في الارض.» (سوره‌ص، آيه 26)

قائم(ع) را نيز خداوند خليفه در زمين قرار مي‌دهد:«امن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف السوء و يجعلكم خلفاء الارض» (سوره نمل،آيه 62)

-خدا آهن را براي داود(ع) نرم كرد، كه در قرآن آمده:

« و النا له الحديد.» (سوره سباء،آيه 10)

قائم(ع) نيز خداوند آهن را برايش نرم خواهد نمود.

-سنگ با داود(ع) سخن مي‌گفت صدا مي‌زد: اي داود مرا بگير و جالوت را با من به قتل برسان. حضرت حجت(ع)نيز،علم‌وشمشيرش‌او‌را صدا مي‌كنندومي‌گويند: اي ولي خدا خروج كن و دشمنان خدا را به قتل برسان.

-داود(ع)به الهام‌ درميان‌مردم‌حكم ‌مي‌كرد.امام زمان(ع)

نيز به حكم داود قضاوت مي‌كند و از شاهد نمي‌پرسد و نيازي به آن ندارد.

شباهت به آصف:

-آصف علمي از كتاب را داشت. قائم(ع) نيز علوم كتاب نزدش هست.

-آصف، با غيبتش ابتلاء و گرفتاري بني اسرائيل سخت و شديد شد.قائم(ع) نيز با غيبتش گرفتاري و ابتلاي مومنين شدت يافته است.

شباهت به عزير(ع):

عزير(ع) هنگاميكه به سوي قومش بازگشت و در ميان آنها ظاهر شد و تورات را آنطور كه بر موسي(ع) نازل شده بود خواند. امام زمان(ع) نيز هنگاميكه ظهور نمايند براي اهل زمين قرآن را آن چنان كه بر حضرت محمد(ص) نازل شده خواهند خواند

چه خوش‌است‌صوت قرآن،زتودلرباشنيدن

به رخت نظاره كردن، سخن خدا شنيدن

# «شباهت امام زمان(ع) با ائمه معصومين عليهم رحمه»

**شباهت به امير المؤمنين(ع):**

اظهر صفات امام علي(ع) علم و زهد و شجاعت بود كه تمام آنها در حضرت قائم(ع) نمودار است.

**شباهت به امام حسن مجتبي(ع):**

بارزترين صفات امام حسن(ع)، حلم و بردباري بود و از جمله آثار اين صفت نيكو، آرامش داشتن و سبك سري نكردن در مواقعي است كه شخص از ديگران نارواها ببيند. كه اگر ما در ناراحتيها و ابتلاهاي شديدِ مولايمان حضرت حجت(عج) كه از دست ما مسلمين و به خصوص شيعه مي‌بيند، تفكر كنيم به حلم و بردباري آن بزرگوار پي مي‌بريم.

**شباهت به امام سجاد(ع):**

بارزترين صفات آن حضرت عبادت بود كه به«زين العابدين»، «سيد العابدين» و «نوي الثفنات» ناميده مي‌شد. در وصف عبادت امام زمان(ع) نيز آمده است: «با آن چهره گندومگون، زردي بي‌خوابي شب نيز آميخته است، پدرم نداي آن كس كه شبش را در حال سجود و ركوع و ستاره شماري( كنايه از بيداري ) خواهد گذراند. (امام موسي كاظم(ع)- بحار الانوار،ج86،ص81)

شباهت به امام باقر(ع):

بارزترين صفات آن بزرگوار، شباهتش به رسول اكرم(ص) بود. لذا جابربن عبدالله انصاري هنگامي كه نگاهش به امام باقر(ع) افتاد گفت: « به پروردگار كعبه قسم شمائل پيغمبر است.» با اينكه جابر قبل از آن امام حسن و امام حسين و امام سجاد را ديده بود ولي دبارة آنها چنين سخني نگفته بود. (بحار الانوار،ج46،ص223)

در مورد صاحب الزمان(عج) نيز آمده است: « شبيه‌ترين مردم به پيامبر اكرم(ص)، در شمائل و اقوال و افعالش.»

**شباهت به امام جعفر صادق(ع):**

مشهورترين صافتش، كشف علوم و بيان‌احكام‌براي‌مردم بود به طوري كه براي امام پيش از آن حضرت‌اين امر ميسر نشد. در مورد امام زمان(ع) و نشر و علوم در زمان‌ ظهور‌ از امام صادق(ع) آمده است:

« علم بيست و هفت حرف است. مردم تا كنون (و تا زمان ظهور) غير از دو حرف نفهميده‌اند. وقتيكه قائم ما خروج كند بيست و پنج حرف ديگر بيرون مي‌آيد و به آن دو حرف ضميمه مي‌شود ... » (بحار الانوار،ج52،ص336)

شباهت به امام موسي كاظم(ع):

اين امام دچار تقيه و شدت ترس از دشمنان بود. مولاي ما حضرت قائم(ع) نيز همين طور است.

**شباهت به امام رضا(ع):**

خداوند رياست و مقام ظاهري را براي آن حضرت قرار داد به طوري كه براي پدران طاهرينش واقع نشده بود. براي قائم(ع) نيز، خداوند ترسش را به امنيت بدل مي‌كند و او را در زمين اقتدار و تسلطي خواهد داد كه براي‌احدي‌از‌پيشينيان‌ميسر‌نشده ‌است ‌برسلطان شب تار.

**شباهت به امام جواد(ع):**

نمي‌گذشت. امام زمان(ع) نيز در حالي كه پنج ساله بودند امامت را به دست گرفتند.

**شباهت به امام هادي(ع):**

براي امام هادي(ع) هيبتي بود كه نظير آن براي هيچ كس نبود به طوري كه دشمنان آن حضرت احترام ها و تعظيم‌هايي براي آن جناب انجام مي‌دادند. قائم(ع) نيز همين طور است- به ويژه در دل دشمنان هيبت و رعب خاصي دارد.

**شباهت به امام حسن عسكري(ع):**

امام حسن عسكري(ع) هم، مانند امام هادي(ع) داراي هيبت خاصي بود كه هنگامي كه آن حضرت به دشمن نظر مي‌افكند، لرزه بر اندام دشمنان مي‌افتاد. حضرت صاحب الامر(عج) نيز به همين صورت مي‌باشند.

چند نكته احكام راجع به حضرت مهدي(عج):

- رساندن جائي از بدن به نام مبارك امام زمان(عج) بدون وضو حرام است.(بنا بر احتياط واجب ). مثلاً دست زدن به نام مبارك «مهدي» عليه السلام حرام است و گناه دارد. (رساله توضيح المسائل امام خميني،مسأله319)

- اگر مسلماني به امام زمان(عج) دشنام دهد يا با او دشمني داشته باشد، نجس است.

(رساله‌توضيح‌المسائل‌امام ،مسأله110)

- اگر روزه دار به وسيله گفتن يا نوشتن يا اشاره و يا مانند اين‌ها به امام زمان(عج) عمداً نسبت دروغ بدهد، اگر چه فوراً بگويد دروغ گفتم يا توبه كند، روزه او باطل است. (رساله توضيح المسائل امام خميني،مسأله1596)

- احترام گذاشتن به كاغذي كه نام امام زمان(عج) بر آن نوشته شده است، لازم است.

(رساله توضيح المسائل امام خميني،مسأله140)

# «شباهت امام زمان(ع) با سيد الشهدا امام حسين(ع)»

الف)شدت اهتمام هر دو امام بزرگوار در امر به معروف و نهي از منكر، چنانچه سالار شهيدان، امام حسين(ع) ملاحظة تقيّه را نكرد و اين ويژگي‌هاي آن حضرت بود.

امام عصر(عج) نيز همين طور خواهند بود كه به ظهور ايشان تقيّه به پايان مي‌رسد. چنانچه امام صادق(ع) راجع به ظهور امام زمان(عج) و تشكيل جامعة مهدوي فرمودند:« اين پيروزي دست نخواهد داد جز در غرقاب خون و عرق.» (بحار الانوار، ج2، ص243)

ب) اهتمام پيغمبران گذشته به گريستن براي امام حسين(ع) و بر پا نمودن مجالس سوگواري و مرثيه پيش از شهادت آن جناب؛ كه نظير اهتمام امامان گذشته است، در دعا كردن براي فرج مولايمان حجه بن الحسن(عج) و طلب ظهور آن حضرت پيش از وقوع غيبت.

ج) فرشتگان هر دو بزرگوار (امام حسين(ع)و‌امام‌عصر(عج)

را به اذان خداوند متعال به آسمان بالا بردند، چنانچه در شباهت امام زمان(ع) به ادريس اين مطلب آورده شده است. (مكيال المكارم،ج1،ص225)

د) نبودن بيعت طاغوت زمان بر آن دو بزرگوار؛

در اوصاف امام حسين(ع) آمده است كه در روز عاشورا به آن حضرت عرض شد:« به حكم و حكومت عموزادگانت سر فرو آور. امام حسين(ع) فرمود:

«لاوَ الله لا اَعْطيكُمْ بِيَدي اِعْطاء الذَّليلِ وَ لا اَفَرُّ فِرارَ الْعَبيد»

«نه به خدا قسم دستم را از روي خواري و ذلت به شما نمي‌دهم و مانند بردگان فرار نمي‌كنم.»

سپس فرمود: اي بندگان خدا من به پروردگار خود و پرودگار شما پناه مي‌برم اگر قصد آزار و سنگسار مرا داريد و به پرودگار خود و شما پناه مي‌برم از هر متكبّري كه به روز حساب ايمان نداشته باشد. (و نيز آن حضرت فرمود: ) مرگ در حال عزت بهتر‌از‌ زندگي‌با‌لذت

در مورد حضرت حجت آمده است كه وقتي ظهور مي‌كنند كه بيعت هيچ طاغوتي بر گردن آن بزرگوار نيست. (مكيال مكارم،ج1،ص225)

هـ) مصيبت آن دو سخت‌ترين مصيبتها است؛

اما مصيبت امام حسين(ع) كه در گفتگوي آدم و جبرئيل آمده كه گفت: « اي آدم اين فرزند تو به مصيبتي دچار مي‌گردد كه مصيبتها در كنار آن كوچك خواهند بود.»

(بحار الانوار،ج44،ص245)

و اما قائم(ع) نيز مصيبتش طولاني و محنتش‌شديد‌است.

و) طلب ياري كردن توسط آن دو بزرگوار؛

امام حسين(ع) هنگامي كه مي خواست از مكه به سوي عراق خروج كند، ياري خواست و فرمود:« هركس جان خود را در راه ما مي‌بخشد و خودش را مهياي لقاء الله نموده است با ما بيايد كه ان شاء الله من فردا حركت مي‌كنم.» (مكيال المكارم،ج1،ص256)

امام زمان(ع) نيز هنگامي كه ظهور نمايند، ياري‌مي‌طلبد

و پيروان واقعي آن حضرت گرد او جمع خواهند شد.

ز) امام حسين(ع) ترسناك از مدينه بيرون رفت و در مكه نزول كرد و سپس به سوي كوفه حركت نمود. حضرت حجت(ع) نيز نظير همين برايش اتفاق مي افتد كه خبر صحيحي از امام باقر(ع) آمد: « پس سفياني عده‌اي را به مدينه مي‌فرستد و مهدي(ع) از آنجا به سوي مكه كوچ مي‌كند، به ارتش سفياني خبر مي‌رسد كه حضرت مهدي(ع) به مكه رفت، لشكري در تعقيب آن حضرت مي‌فرستد ولي به او نمي‌رسند تا اينكه ترسناك وارد مكه مي‌شود.

لشكر سفياني در بيداء فرود مي‌آيد، پس منادي از جانب آسمان ندا مي‌كن: « يا بيداء ابيدي القوم: اي بيدا اين گروه را نابود كن.»

پس زمين آنها را فرو مي‌برد و فقط سه نفر از آنها باقي مي‌مانند‌كه‌ خداوند‌ صورتهايشان‌ را ‌به ‌عقب‌ بر مي‌گرداند ‌و‌ آنها‌ از‌ قبيلة‌ كلب‌ هستند.» (مكيال المكارم،ج1،ص255)

چند نكته:

- امام زمان(عج)فرمودند: « هر وقت خواستيد به سوي ما توجه كنيد، اين زيارت را بخوانيد كه‌چنين‌آغاز مي‌شود:»

« سلام علي آل ياسين... »] اين زيارت معروف به زيارت آل ياسين مي‌باشد كه در مفاتيح الجنان صفحة 863 آورده شده است.[ ( مفاتيج الجنان، حاج شيخ عباس قمي)

- امام صادق(ع) مي‌فرمايد: « هركس چهل صبح دعاي عهد را بخواند، از ياوران امام زمان(عج) مي‌باشد و اگر پيش از ظهور آن حضرت بميرد، خدا او را قبرش بيرون مي‌آورد تا در خدمت آن حضرت باشد و خداوند براي هر كلمة آن، هزار حسنه به او عطا مي‌كند و هزار گناه از وي را محو مي‌كند. (مفاتيح الجنان، عباس قمي،ص892)

# «برخي از نشانه‌هاي حتمي ظهور» 6

با نگاهي به‌ رواياتي كه در اين زمينه وجود دارد به چهار نشانه‌ بر مي‌خوريم كه تقريباً در اكثر روايات حتمي شمرده شده‌اند.

**1)خروج سفياني:**

اين شخص كه «عثمان بن عنبسه» نام دارد و با خاندان نبوت و امامت و شيعيان دشمني ويژه‌اي دارد، سرخ چهره و كبود چشم و آبله رو و بد منظر و ستمگر است كه امام صادق(ع) فرمود: «هنگاميكه سفياني قيام كرد و به پنج قطعه مسلط شد براي او نه ماه بشماريد (يعني نه ماه حكومت خواهد كرد) آن پنج قطعه عبارتند از: فلسطين،دمشق،اردن،حلب‌وحمص» (غيبت نعماني،ص 357)

**2) فرورفتن زمين در بيداء:**

سفياني عده‌اي را به مدينه مي‌فرستد و مهدي(ع) از آنجا به مكه كوچ مي‌كند، به ارتش سفياني خبر مي‌رسد كه حضرت به مكه رفت، لشكري در تعقيب آن حضرت مي‌فرستد اما اين لشكر در بيدا به فرمان منادي از جانب آسمان به زمين فرو برده مي‌شود. «يا بيدا ابيدي القوم»

(مكيال المكارم،ج1،ص255)

**3) صيحة آسماني يا نداي آسماني:**

امام باقر(ع) فرمود:«... آن صدا در ماه رمضان خواهد بود و ترديدي نداشته باشيد در ابتداي روز و در پايان روز صداي شيطان ملعون است كه فرياد مي‌زند: هان كه فلاني مظلوم كشته شد، تا مردم را به ترديد اندازد و گرفتارشان كند،پس آنگاه كه صدا را در ماه‌ رمضان شنيديد ترديدي نداشته باشيد كه آن صداي جبرئيل است و نشانه‌اش آنكه به نام قائم و نام پدرش آوازي سر مي‌دهد...» (غيبت نعماني،ص297)

**4) كشته شدن نفس زكيه:**

مشهور آن است كه نفس زكيه در مكه و ميان ركن و مقام ابراهيم در 25 ذي حجه به قتل مي‌رسدودر روايـتي‌ از امـام‌ صادق(ع)‌ آمـده است:«بين ظهور قائـم

‌آل‌محمد(ص) و كشته شدن نفس زكيه، بيش از پانزده شب فاصله نيست.» (كمال الدين،ج2،ص649)

او جواني است كه در مدينه براي ياري و نصرت آل محمد(ص) به پا مي‌خيزد هنگامي كه سپاه سفياني به مدينه مي‌رسد، برادر او را مي‌كشد و وي به حرم امن الهي مي‌گريزد و در آنجا مظلومانه ذبح مي‌شود.

(منتخب الاثر،ص454)

از ديگر علائم‌حتمي‌ظهورمي‌توان‌به ‌مواردزير اشاره كرد:

امام باقر(ع) فرمود:«دو نشاني پيش از قيام قائم(ع) خواهد بود كه از وقتي كه خداوند آدم را به زمين فرود آورد هرگز آن دونشاني اتفاق نيفتاده است: گرفتن آفتاب در نيمه رمضان‌وگرفتن ماه‌در آخر آن.»

(غيبت نعماني،ص 318)

امام صادق(ع):«سالي كه در آن سال، صيحه خواهد شد پيش ازآن در ماه رجـب نشانـه‌اي است. عرض شد: آن چيست؟ فرمود: صورتي در ماه يا(خورشيد) پديد مي‌شود

و دستي بيرون مي‌آيد.» (غيبت نعماني، ص295)

امام باقر(ع) فرمود: «آنگاه كه آتشي از جانب خاور (شرق) ديديد كه همچون هردي زرد رنگ و سرخ سهمناك است كه سه روز يا هفت روز سر مي‌كشد به انتظار فرج آل محمد باشيد.» (غيبت نعماني،ص297)

امام صادق(ع) فرمود:«ناچار بايد پيش از قيام قائم(ع) سالي باشد كه در آن سال مردم گرسنه بمانند و از دو ناحيه ترس و سختي آنان را فراگيرد از كشتار و از كمبود ثروت‌ها و جان‌ها و ميوه‌هاو...» (غيبت نعماني،ص293)

-ظهورسرخي‌آفاق‌گستري‌درآسمان.

(بحار الانوار،ج52/ الارشاد،ج2و...)

-توقف سير خورشيد در آسمان از هنگام ظهر تا نيمه‌هاي عصر. (الارشاد،ج2،ص373/بحار الانوار،ج52،...)

مرگ‌هاي سرخ و سپيدي كه پيش از ظهور حضرت بسياري از‌ مردمان‌ را هلاك‌ مي‌كند. (كمال ‌الدين،ج2،ص655)

# «عوامل غيبت» 3

پرسش ها در مورد علت غيبت، نه تنها پس از وقوع غيبت آن حضرت بلكه قبل از آن نيز در زمان پيامبر و امامان گذشته مطرح مي‌شده است. در اين شماره نگاهي مختصر به اين روايات داريم.

1. امتحان درجه تسليم در برابر اراده خداوند:

امام صادق(ع) فرمودند: « وجه حكمتي كه در غيبت حضرت مهدي(عج) هست جز بعد از ظهورش، معلوم نمي‌گردد، چناچه وجه حمكتي كه در افعال حضرت خضر بود نسبت به سوراخ كردن كشتي و كشتن پسرك و برپاداشتن ديوار نيمه خراب، براي حضرت موسي (ع) جز وقت جداشدن آن دو ظاهر نگشت» (كمال الدين، ج 2 ، ص 482)در هر حال آنچه مطلوب است تسليم در برابر اراده الهي است كه اين غيبت را تقرير فرموده است.

2) بيم از كشته شدن:

امام صادق (ع) فرمدند: « براي حضرت قائم قبل از ظهورش غيبتي هست» زراه مي‌گويد پرسيدم: چرا؟

فرمودند: « يخافُ عُلَي نَفْسٍهٍ الذّبحُه. از كشته شدن خويش مي‌ترسد.»زيرا كه كشته شدن حضرت مساوي است با نابودي اسلام بنابراين تا خطر كشته شدن امام هست ظهور صورت نمي‌گيرد.

3)آماده شدن شرايط براي محو سلطه مستكبران:

حضرت مهدي(ع) فرمودند: « هيچكدام از پدران من نبودند مگر آنكه بيعت طاغوت دورانش اجباراً بر عهده‌اش نهاده شد، اما من در زمان ظهورم، در حالي قيام مي‌كنم كه بيعت هيچ يك از طواغيت بر گردنم نيست.»(منتخب الاثر، ص 267)

)آزمايش مردم در ميزان ايمان به امامت:

پيامبر (ص) مي‌فرمايد: « او- ‍مهدي(ع)- كسي است كه از شيعيان و دوستان خود غايب مي‌گردد، غيبتي كه در آن، كسي بر اعتقاد به امامت و ولايت او استوار نمي‌ماند مگر آن كس كه خداوند قلبش را به ايمان امتحان كرده باشد.»(منتخب الاثر، ص 101)

5) آزمايش مؤمنان به سختي‌ها و شدايد روزگار:

امام صادق (ع) فرمودند:« صاحب اين امر- حضرت مهدي (عج)- غيبتي دارد كه در آن ، هر كس بخواهد دينش را حفظ كند مانند كسي است كه بخواهد باكشيدن دست بر شاخه‌اي خار، آن را از خار بري سازد.»

6) گناهان و عدم آمادگي مردم:

حضرت مهدي (عج) مي‌فرمايد:« اما چگونگي بهره وري از من در دوران غيبتم چونان بهره بردن از خورشيد است كه زماني كه ابرها آن را از ديدگان ، مستور مي‌دارند.» (بحار الانوار، ج 52 ، ص 263)

خورشيد به خودي خود عين ظهور است. اين ابرها هستند كه چهره جان فروز آن را از ديدگان مخفي مي‌كنند . مردم با گناهان خود و عدم آمادگي براي قبول حكومتش، سبب غيبت هستند.

7) جريان سنت الهي:

اما صادق(ع) فرمودند: « وجه حكمت در غيبت او، همان وجه حكمت در غيبت‌هايي است كه توسط حجت‌هاي الهي پيش از او صورت گرفته است.»(بحار الانوار ج 52 ص 91)

چناچه امام صادق (ع) فرمودند:« سنت‌هاي پيامبران نسبت به غيبت‌هايي كه بر ايشان پيش آمد، همگي به طور تمام و كمال در مورد قائم ما اهل بيت ، اتفاق مي‌افتد.»

# «آزمايش شيعه در دوران غيبت» 8

در دوران غيبت امام عصر(عج) مردم مسلمان و به خصوص شيعه مورد امتحانات سختي قرار مي‌گيرند. تا آن جا كه در حديث آمده است:« دين نگهداشتن در عصر غيبت بسان آتش سرخ در كف نگهداشتن است.»

(مكيال الكارم،ج2،ص12)

در سوره بقره آيه 155 آمده است:«و لنبلونكم بشي من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات.»«و البته شما را به گونه‌هايي از ترس وگرسنگي و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعي بيازمائيم.»

مصداق اين آيه به وضوح در جوامع بشري قابل رويت مي‌باشد. اما بايد دانست كه در اين كوران آزمايشات شيعيان مخلص و واقعي امام عصر(عج) باقي خواهند ماند تا امام زمان(ع) با تكيه بر آن ها بتواند جامعه مهدوي و دولت جهاني خود را تشكيل دهد.

در حديثي آمده است:

«مردم غربال خواهند شد و جز تعداد اندكي از آن بيرون نخواهند آمد.» (مكيال المكارم،ج2،ص12)

در احاديثي ديگري از امامان معصوم(ع) اين امتحانات تشريح شده است.

درحديثي امام باقر(ع) فرمودند:«اي شيعه آل محمد(ص)، حتماً بايد پاك شويد همچون سرمه كه در چشم پاك مي‌شود كه آدمي داخل شدن سرمه را به چشمش مي‌فهمد، ولي نمي‌فهمد كه كي از چشم‌او‌بيرون‌مي‌رود و اين چنين خواهد شد كه مردي صبح مي‌كند در حالي كه بر جاده امامت ماست و شب مي‌كند در حالي كه از راه به در شده است و شب مي‌كنددر حالي كه بر جاده امامت ماست و صبح مي‌كند در حالي‌كه از‌راه‌به‌در شده است.» (غيبت نعماني،ص243)

امام صادق(ع) فرمودند: از عرب به همراه قائم(ع) اندكي خواهد بود. به آن حضرت عرض شد: از عـرب افـرادي كه اين امر را توصيف مي‌كنند( معتقد به امامت و غيبت هستند) فراوانند. فرمودند: به ناچار بايد مردم پاك شوند و جدا شوند و غربال گردند و خلق فراواني از غربال به در خواهند رفت.» (غيبت نعماني، ص 240)

يكي از ياران امام صادق(ع) خدمت آن حضرت رسيد و عرض كرد: من به فدايت به خدا قسم من تو را دوست مي‌دارم و دوستان تو را دوست مي‌دارم. اي آقاي من شيعه شما فراوان شده‌اند. حضرت به او فرمودند:«بگو چقدر‌اند؟ گفت: بسيار. امام فرمودند: شماره‌شان را مي‌داني؟ عرض كرد: بيش از شماره است. امام صادق(ع) فرمودند:« اگر آن شماره‌اي را كه توصيف شده است، سيصدو اندي تكميل شود خواسته شما انجام خواهد گرفت…» (غيبت نعماني، ص 239)

امام رضا(ع) فرمودند:« آيا مردم چنين پنداشته‌اند كه‌تنها به اينكه گفتند ما ايمان آورديم رها شوند و بر اين ادعا هيچ آزمايش نخواهد شد؟» سپس مرا فرمودند: فتنه چيست؟ عرض كردم: فدايت شوم به نظر ما فتنه عبارت است از گرفتاري در دين. فرمود: گرفتار مي‌شوند همانطور كه طلا (در بوته) آزمايش مي‌شوند. سپس فرمودند: خالص مي‌شوند همانطور كه طلا خالص مي‌شود.» (غيبت نعماني،ص238)

از اميرالمومنين علي(ع) در بيان حال شيعيان در آن زمان آمده:« و الله آنچه آرزو داريد نخواهد شد تا اينكه باطل جويان هلاك شوند و جاهلان از هم گسيخته شوند و تقوي پيشگان در امان بمانند- كه بسيار كمند- تا جائيكه براي هر يك از شما جاي پائي نماند و تا آنجا كه از مردار نزد صاحبش هم در نظر مردم بي ارزش‌تر شويد.» (الزام الناصب، ص229)

بايد دانست كه كار بسيار مشكل در عين حال شيرين مي‌باشد اما هر يك از ما بايد راهي كه با تمسك به آن از اين آزمايشها سر بلند بيرون آيـد را يافتـه و با اتكا به‌ آن، موانع متعدد عصر غيبت را پشت سر گذارد. يكي از آن راهها، عشق مي‌باشد. بايد بدانيم كه عشق به مولا و سرورمان امام زمان(ع) مهمترين عامل تهذيب نفس و نيرو گرفتن در اين عصر مادي مي‌باشد.

زندگي بي عشق جان فرسودن است

مرگ حاضر، غايب از حق بودن است

عشق، دشوار را آسان كند، منيت كوه وار را كاه وار سازد و آدمي را از دنياي مادي بر كَنَد.

اما توجه به اين نكته ضروري است كه:

ادعا را آزمايش در پي است

تا هماي بخت بر بام كسي است

«اللهم قونا علي طاعته و تبتنا علي مشايعته.»

«خدايا ! ما را بر اطاعت از او نيرومند ساز و از پيروي از او ثابت قدم.

انتظار ايستادگي است !

او اگر چه غايب است، اما قائم است، قائم است و ايستاده و مهياري كار، نه بيكار . راكدان و ساكتان و بيكارگان و بي خبران از زمين و زمان را هيچ نسبتي با انتظار و فتح و فرج و بازگشايي هيچ گاه نمي‌تواند بود. دست روي دست نهادن، كار مردان نيست. سرهاي نترس و دل‌هاي بي باك، نه بيم خطر كردن و از دست رفتن را دارند و نه نگراني زيان ديدن و از دست دادن را ! انتظار خطر پذيري است نه انزوا !!

# « فوايد دعا براي تعجيل فرج » (1)‌ ش 16

آمرزش گناهان و مبدل شدن سيئات به حسنات :

رسول اكرم (ص) فرمودند :‌« هيچ قومي به ذكر خداوند عزوجل ننشيند مگر اينكه فرشته اي از آسمان آنها را آواز دهد كه : برخيزيد به تحقيق كه سيئات شما مبدل به حسنات شد و همگيتان آمرزيده شديد . »‌

(‌مكيال المكارم ، ج1، ص 509)

دعا براي امام زمان (ع)‌نيز از اقسام ذكر خداوند است.

دفع بلا و وسعت روزي :

امام صادق (ع)‌فرمود : « دعاي مرد براي برادرش در غياب او روزي را فراوان و ناگواري ها را دور مي سازد.»

در حديث ديگري امام صادق (ع)‌فرمود :‌« دعا براي برادرت در غياب او روزي را به سوي دعا كننده سوق مي دهد و بلا را از او برمي گرداند و فرشته به او مي گويد : مثل همين براي توست . ( مكيال المكارم ، ج1، ص 427)

آيا مؤمني كه ايمانش كاملتر از مولايمان صاحب الزمان (عج) باشد مي شناسيم ؟‌پس در دعا براي حضرتش بشتابيد . دعاي امام زمان (ع) درحق‌دعا كننده براي تعجيل فرج :‌

دليل بر اين گفتار ،‌فرمايش خود امام زمان (ع)‌در دعايي است كه در مهج الدعوات مي باشد كه:‌« و كساني كه براي ياري دين تو از من پيروي مي كنند نيرومند كن و آنها را در راه خودت مجاهد قرار بده و بر هر كه براي من و آنها بدي مي خواهد پيروز گردان …» .

(‌مكيال المكارم ، ج1، ص 3885)

نجات‌ازفتنه‌هاي‌آخرالزمان‌وسالم‌ماندن‌از‌دامهاي شيطان **:**

امام حسن عسكري (ع)‌به احمد بن اسحاق فرمود :

« به خدا قسم غائب مي شود،‌غائب شدني كه در آن زمان از هلاكت نجات نمي يابد مگر كسي كه خداوند عزوجل‌‌‌‌‌‌اورابراعتقاد‌به‌امامتش‌ثابت‌بداردودر دعا كردن‌ براي ‌تعجيل‌فرج‌توفيقش‌دهد.»‌ (مكيال المكارم ،‌ج1، ص 377)

نشانة‌انتظار :

دعا كردن براي تعجيل فرج نشانة انتظار است كه در روايات به آن دستور داده شده و ثواب هاي فراوان و خير كثيري عايد انسان منتظر مي‌كند .

( در شماره 7 فضيلت انتظار ذكر گرديده)

اظهار محبت باطني نسبت به آن امام :‌

محبت هر چند امري است پوشيده و مخفي و فعلي است باطني و قلبي ، ولي آثار و دلائل آشكار و شاخه هاي بسيار دارد . محبت به سان درخت پرباري است كه بر شاخه هايش گلهاي رنگارنگ نشسته ، بعضي از آثار آن در زبان و بعضي در اعضاء و جوارح انسان آشكارمي گردد ، و همانطور كه نمي‌توان درخت را ازبروز دادن گلهايش منع كرد ، نشايد كه صاحب محبت را از اظهار آثار آن منع كرد.

گويند كه در سينه غم عشق نهان ساز

در پنبه چسان آتش سوزنده بپوشم ؟

از آثار محبت در چشم ،‌بي خوابي و اشكباري است . يكي از اهل اشتياق از حال مشتاق نقل

مي‌كند كه: اگر چشم‌ها از فراق خون مي‌گريستند ،‌در ديدگانم خوني خشك نشدني مي‌ديدي

به هر حال از نشانه هاي محبت (‌در زبان ) ،‌دعا كردن و خواستن تمام خوبيها براي محبوب مي باشد و اين براي خردمندان كاملاً روشن است و جز افراد نادان كسي آنرا انكار نمي كند.

داخل شدن به بهشت به ضمانت رسول خدا (ص):

پيامبر اكرم (ص) فرمود :‌« هر كس پنج چيز را براي من تضمين كند ،‌بهشت را براي او ضمانت نمايم . گفته شد : يا رسول الله آنها چيست ؟ فرمود :‌نصيحت براي خداوند عزوجل ،‌نصيحت براي رسول او ، نصيحت براي كتاب خدا ، نصيحت براي دين خدا و نصيحت براي جامعة مسلمين .» (‌مكيال المكارم ، ج1،ص 507)

نصيحت طلب خير است . و ترديدي نيست كه تمام اقسام پنجگانة فوق‌بادعاكردن‌بـراي‌تعـجيل‌فـرج‌حاصل مي‌شود، زيرا با ظهور آن حضرت غم و ناراحتي از اولياي خدا برطرف مي‌شود و رسول خدا (ص) مسرور مي‌گردند و احكام كتاب خدا آشكار شده و دين خدا بر جهانيان‌غالب‌وفرج‌براي جامعة مسلمين محقق مي‌گردد.

خراشي بر صورت ابليس :

امام صادق (ع) مي فرمايد : « … تا مي تواني نيكي كن كه هيچ مؤمني به مؤمن ديگر احسان يا كمك نكند مگر اينكه صورت ابليس را خراشيده و به دلش زخم زده است .» (كافي ، ج2،ص207)

دعا براي تعجيل فرج مولايمان امام زمان (ع) هم كمك و احسان است ،‌و آن حضرت اصل ايمان و رئيس اهل دين است و كاملترين مؤمن زمان ، و با احسان به او صورت ابليس خراشيده و به دلش زخم‌زده‌خواهد شد. اي خوب خوبان !

تاكي‌بايدچشمانمان هر طرف تو را بجويند و هيچ نيا بند دل هايمان زهجرانت دردمند است‌وچشمانمان. اشكبار، اما هر وقت كه دلتنگي هايمان زياد مي شود ، نگاهي بررخ گيراي نائبت مي اندازيم و آرامش مي گيريم . همان كه روزگار ،‌ استخوان پاهايشان را فرسوده و محاسنش را به سپيدي گرايانده همان پدر مهرباني كه وجودش موجب آرامش دلها و و روانهاست است

جلوة ديدار

پرده برگيركه‌مـن‌يـارتـوام عاشقم،عاشق‌رخسار توام

عشوه كن، نازنما، لب‌بگشا جان‌من،عاشق گفتار تو‌ام

بر سر بستر مـن پـا بگذار منِ‌دل سوخته بيمار توام

با وصالت ز دلم عْقده گشا جلوه‌اي‌كن‌كه‌گرفتار توام

عاشقي سر به گريبانم من مستم و مـردة ديـدارتوام

گر كُشي‌يابنوازي‌اي‌دوست عاشقم ، يـار وفادار تـوام

هركه‌بينيم‌كه‌خريدارتواست من‌خـريـدارخـريدار تـوام

# « آشنايي بيشتر با امام زمان عليه السلام (2)‌» 17

عدالت آن حضرت :

بارزترين صفات نيكوي امام مهدي (عج) عدالت است. لذا به عدل ملقب گرديده‌اند چنانچه در دعايي كه از خود آن حضرت براي شب هاي رمضان روايت‌شد (‌دعاي افتتاح) آمده است :

« اَللّهمُ وَ صَلّ عُلي وَليِ اَمًرِكَ الْقائٍم المْؤمُلِ وَ الْعُدًلِ الْمْنتَظَرِ»‌امام صادق (ع) در حديثي كه در بحار الانوار و غيبت نعماني از آن حضرت روايت شده مي فرمايند:

‌« قسم‌به‌خدا،‌‌عدل‌اوداخل‌خانه‌هايشان‌مي‌شود، همچنانكه‌ گرماوسرماداخل‌مي‌شود.» ( مكيال المكارم ، ج1،ص149)

برگرداندن هواي نفس بر هدايت توسط آن حضرت :

اميرالمؤمنين (ع)‌در وصف قائم (ع)‌ مي فرمايد : « او هواي نفس را مطيع و تابع هدايت مي كند ،‌هرگاه مردم هدايت را معـطوف هـوي و هـوس نمايند و رأي و نظر را تابع قرآن گرداند در حاليكه مردم قرآن راتابع هواي نفس قرار داده اند.»‌(‌ بحارالانوار،ج51،ص130)

اينكه در احاديث آمده در هنگام ظهور حضرت برخي با استناد به آيات قرآن مقابل آن حضرت مي ايستند ،‌به دليل اين است كه آنان قرآن را بر اساس ميل و رغبت و سود و زيان خود تفسير و معني كرده اند . اينجاست كه ضرورت پيدا مي كند در شناخت دقيق آيات و روايات و احكام اسلامي تلاش كنيم تا مبادا روزي در صف دشمنان آن حضرت قرار بگيريم .

زيارت آن حضرت از قبرمطهر امام‌حسين(ع)وساير ائمه :

«‌سيد شمس الدين در پاسخ راوي كه پرسيد : آيا امام زمان (عج) حج را انجام مي دهند؟ ‌فرمود :‌دنيا براي مؤمن يك گام است ،آن ‌وقت نسبت به كسي كه دنيا جز به وجود او و پدرانش برپانيست چطور؟ بله ، او هر ساله حج به جا مي آورد و پدرانش را در مـدينه و عراق و طـوس زيـارت‌مي‌كند.» ( مكيال المكارم ،ج1،ص130 )

ما شيعه‌هاي آن حضرت بايد بدانيم كه در زيارت اماكن متبركه و به خصوص مشهد مقدس براي ما ايرانيان ، احتمال حضور مهدي (عج)‌در حرم وجود دارد و چشمان پاك و قلوب سالم ،‌حتماً حضرت را درك كرده‌وبه‌نورآن‌حضرت‌مزين‌مي‌شود « اَللّهمُ اجًعُلْنا مٍنْهْمً»

دفع بلا و عذاب از مردم به بركت شيعيان آن حضرت :

اين نيز از آثار و بركات وجود آن حضرت است ،‌چنانچه از مام صادق (ع) روايت شده كه :‌«‌زماني بر مردم فرا مي رسد كه امام آنها از نظر شان غائب مي شود ، اي خوشا به حال آن كساني كه در آن زمان بر امر ثابت بمانند . كمترين چيزي كه از ثواب به آنها مي رسد اينكه خداوند آنها را ندا مي كند و مي فرمايد : اي بندگان و كنيزان من ،‌به سٍر من ايمان آورديد و غيب مرا باور داشتيد ،‌پس بشارت باد شما به نـيكي و ثواب از مـن كـه شـما به حق بندگان و كنيزان من هستيد ، از شما مي پذيرم و شما را عفو مي كنم و گناهانتان را مي آمرزم و به سبب شما باران به بندگانم مي رسانم و بلارا از آنها دفع مي كنم ،‌اگر شما نبوديد عذاب خود را بر آنها نازل مي كردم .»(كمال الدين ، ج1،ص330 )

جهاد آن حضرت :

در دعائي كه از امام رضا (ع) دربارة حضرت حجت(ع) روايت شده چنين آمده است : «بزرگوار مجاهد تلاشگر» . (بحارالانوار ،ج95،ص333)

و در بحارالانوار از امام باقر (ع) روايت است كه فرمود : « او خونخواه ،‌با تأسف و غضبناك خروج مي كند ، به خاطر غضب خداوند بر اين خلق ،‌پيراهني كه رسول خدا (ص) روز احد پوشيده بود بر تن اوست ،‌و عمامة سنجاب و زره سابغه و شمشير ذوالفقار پيغمبر با اوست ، شمشيـر بر شانه مي گذارد و تـا ششماه از كشتـه پشته

مي‌سازد . » (بحار النوار،ج52،ص361)

اضطرار و ناچاري آن حضرت :

در دعاي ندبه آمده : «‌اَيًنُ الْمْضْطَرْ الَّذي يْجابُ اِذا دَعا» ‌كجاست‌آن‌مضطري‌كه‌هرگاه‌دعاكندبه اجابت مي‌رسد.»

و در تفسير علي بن ابراهيم قمي دربارة‌آية مباركه :‌

« اَمُنً يْجيبْ الْمْضْطَرُ اِذَا دَعُاهُ وَ يُكْشٍفْ السْوء وَ يُجًعُلكمً خُلَفاءِ الأرضِ .»‌

از امام صادق (ع)‌روايت شده كه فرمود :

اين آيه دربارة قائم آل محمد (ع)‌ نازل شده . اوست آن مضطري كه هرگاه در مقام ابراهيم دو ركعت نماز بگذارد و خداوند را بخواند و دعا كند ،‌خداوند دعاي او را اجابت فرمايد و او را در زمين خليفه قرار دهد .

(‌مكيال المكارم ،ج1،ص78)

‹‹ اميد و آرزوي تحقق اين نويد كلي جهاني انساني ، در زبــان روايات انتظار فرج خوانده شده و عبادت ،‌بلكه افـضل عـبادات شمرده شده است.»

اصل انتظار فرج از يك اصل‌كلي‌اسلامي‌وقرآني استنتاج مي شود و آن اصل « حرمت يأس از روح الله »است . مردم مؤمن به عنايات الهي ،هرگز و در هيچ شرايطي اميد خويش را از دست نمي دهند و تسليم يأس و نااميدي و بيهوده گرايي نمي گردند . چيزي كه هست اين «‌انتظار فرج» و اين « عدم يأس از روح الله » در مورد يك عنايت عمومي و بشري است نه شخصي يا گروهي ،‌و به علاوه توأم است با نويدهاي خاص و مشخص كه به آن قطعيت داده است . ››

( قيام و انقلاب مهدي (عج) ،‌شهيد مرتضي مطهري ، ص14)

# «لزوم بهره‌مندي منتظران از دين شناسي بنيادين» 18

فرد منتظر بايد فهم و تلقي صحيحي از دين داشته باشد. مطالعة تاريخ اديان بيانگر اين واقعيت است كه اديان بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان‌هاي متمادي، آرام آرام از خصائل نخستين خود فاصله مي‌گيرند و خطوط اصلي و فرعي آن‌ها هر يك به نوعي با حذف و اضافه ، تأويل و تفسير و ... دچار تحريف مي‌شوند.

تمامي اشكال تحريف را از يك نظر مي‌توان به دو نوع لفظي و معنوي تقسيم كرد. درباره وقوع تحريف در اسلام بايد گفت: هر چند در كتاب آسماني ما قرن قبرچهارده قرآن كريم، تحريف لفظي راه نيافته است، ليكن در طي چهارده قرن گذشته، عواملي چون تفسير به رأي يا كج فهمي قرآن، فقدان بخشي از منابع حديث و سيره و سنّت، جعل حديث، تحريف تاريخ و شخصيت‌ها، جمود فكري و قشري‌ گري، نفوذ فرهنگ بيگانه و فرقه‌سازي استعمارگران، تك بعدي ديدن دين و ... همگي به نوعي در تحريف دين اسلام نقش داشته‌اند. همچنان كه امام خميني(ره) فرمودند اگر نبود مجاهدت‌هاي علمي استخوان سوز و طاقت فرساي علماي عظام- يعني فقيهان و اسلام شناسان ژرف انديش و جامع‌نگر- معلوم نبود امروز چه چيزي را به جاي اسلام به خورد توده‌هاي مسلمان مي‌داند. ولي با اين وصف، رسوباتي از آن همه جريان ناسالم و انحرافي خواه ناخواه در ذهنيت جامعة اسلامي ته نشين خواهد شد.

وظيفة فرد منتظر در عصر غيبت، به ويژه در دورة حاضر- كه با تداوم و تورّم نظريه پردازي و مطالعات نظري در حوزة دين پژوهي، فلسفه‌هاي مطلق و مضاف و عرصه وسيع علوم انساني، روند برداشت‌هاي ناصواب از دين پيچده‌تر است- اين است كه اسلام ناب را از سرچشمه‌هاي اصيل آن دريافت دارند.

بايد توجه داشت كه دفترچة راهنماي اسلام كه صراط مستقيم دستيابي به سعادت را به مؤمنان نشان مي‌دهد، امروزه نسخه بدل‌ِ فروانِ و به ظاهر مشابه، اما گمراه كننده‌اي دارد كه سعادت مي‌نمايند، ولي شقاوت مي‌فروشند.

امام مهدي(ع) نه تنها يك انقلابي و رهبر سترگ سياسي اجتماعي است بلكه عدالت اجتماعي- اين آرمان همة رسولان الهي- را در گسترة جامعه بشري تحقق خواهد داد، بلكه يك مصلح بزرگ ديني است. «او بساط همة دين فروشان و بدعت گذاران و التقاطيان و متحجّران را بر خواهد چيد و مردمان را به سوي ابعاد ناشناخته و متروك دين، هدايت خواهد كرد.» ( ينابيع الموده، ص 445)

«قيام او نهضت عظيم احياي تفكر و حيات ديني است»

( الارشاد، ج2، ص 383)

در زمينة معرفي و عملي كردن اسلام حقيقي و راستين از هيچ تلاشي فروگذاري نخواهند كرد و هر كه را در مقابل اين حركت اصلاحي بايستد،در هم خواهند كوبيد.

اهميت اين امر به گونه‌اي است كه بر پاية روايات معتبر، هنگامي كه اسلام، نخستين بار به دست رسول اكرم(ص) ظهور كرد مردم با بت‌هاي سنگي و چوبي در برابر حضرت ايستادگي و مقابله كردند، ليكن در آن زمان كه اسلام براي دومين بار به دست مهدي موعود(عج) ظهور خواهد كرد، گروهي با تمسّك به آيات قرآن در برابر آن حضرت صف آرايي خواهند كرد.

( غيبت نعماني، باب 13)

حضرت در روند تكميل پروسة احيا و اصلاح، ناگزير با برخي از ياران و سپاهيان خود بر خودي قاطع و سركوب گرانه خواهد داشت. ( بحار الانوار، ج 8، ص361)

( بر گرفته از كتاب: نشانه‌هاي يار و چكامه انتظار، نوشته مهدي عليزاده)

كالبد شكافي « انتظار».

انتظار يعني پرچم مقاومت و ايستادگي.

انتظار يعني شعار عدالت خواهي و آزادگي.

انتظار يعني تبلور آية «فطرت» و ره ‌آورد‌حديث«كنزه».

انتظار يعني قصة شوريدگي عاشقان حضرت دوست.

انتظار يعني پاسداشت شرافت و كرامت انساني.

انتظار يعني تفسير خون‌نامة نينوا.

انتظار يعني بهانه‌اي براي تپيدن قلب تاريخ .

انتظار يعني دريچه‌اي رو به بستان‌هاي ملكوت.

انتظار‌ يعني‌ زورقي ‌عرش‌ پيما ‌در گرداب‌ شهوات‌ و‌ موج ‌خيز ‌هواهاي ‌نفساني.

انتظار يعني واحة سبز معني در برهوت ماده.

انتظار يعني حماسة تبر ابراهيم و ذوالفقار علي(ع).

انتظار يعني: چكامة شور انگيز يكتا پرستي.

وصل شدن به امام(ع):

وصل شدن به امام(ع) به معني آن است كه رفتار و كردار و نشست و بر خاستمان رنگ و حالِ زندگي معصومين را به خود گيرد، و عملاً پاي خود را جاي گام‌هاي شريف آنها بگذاريم، هم چنان كه در زيارت پر محتوا و انقلاب آفرين عاشورا از خداوند طلب مي‌كنيم: «اَللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيايَ مَحْيا مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد و مَماتي مَماتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد»

پس با عشق حقيقي به اولياء دين و انتظار ظهور امام عصر(ع) دگرگوني عظيم فكري و رفتاري در انسان ايجاد مي‌گردد و البته در اين صورت نقاب‌ها و حجاب‌ها كنار و رفته و قابليّت تشرف به محضر مقدس امام(ع) را حتي قبل از ظهور پيدا مي‌كند.حافظ چه زيبا سرود:

حجاب و پرده ندارد جمال يارو، ليك

تو گرد تن بنشان تا نظر تواني كرد

# ولادت نور 19

آسمان و زمين چشم انتظار او بود. خورشيد هم به انتظار آمدن او نشسته بود . ارواح پاك همه پيامبران و اولياي الهي، ‌گرداگرد خانه امام حسن عسكري (ع) منتطرانه در آرزوي دميدن نور جمال او به سر مي‌بردند. فجر نيمه شعبان بود. صداي آشناي اذان در كوچه پس كوچه‌هاي غريب شهر سامرا مي پيچيد : «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ الله»سيصد و هشت سال پيش كه خورشيد وجود پيامبر(ص) در آسمان مكه طلوع كرد، ‌ظلمات شرك همه جا را آكنده بود و صداي هلهله بت پرستان برگرد الهه‌هاي تراشيده از چوب و سنگ فضا را آلوده ساخته بود.اما اينك در سال 255 هجري قمري، در آستانه طلوع آخرين خورشيد هدايت و رهبري، بانگ توحيدي «لا اِلهَ اِلاَّ الله» از مرزهاي شبه جزيره عرب تا شـام و قسمتهاي وسيعي از قاره آفريقا همه جا طنين انـداز شد و شـهادت به رسالت محمد(ص) بر مأذنه‌هاي سر تا سر سرزمين وسيع اسلامي هر صبح و شام تكرار مي‌شود. با اين همه جاهليت ـ اگر چه در چهره جديدـ هنوز پابرجاست و با محصور ماندن اهلبيت، ظلمت شرك همچنان باقي است.شايد از اين روست كه حضرت مهدي(ع) در آغاز ولادت، زبان به ذكر شهادتين مي گشايد.

(منتخب الاثر، صفحه 332)

يا به روايتي ديگر در همان آغازين لحظه‌هاي تولد زانو مي‌زند و مي‌گويد: « سپاس خداي را كه پروردگار عالميان است و سلام و صلوت خدا بر محمد و خاندانش باد؛ ستمگران گمان بردند كه حجت خدا نابود شدني است! اگر به ما اجازة سخن گفتن داده مي شد، شك و ترديد مردم درباره ما از بين مي رفت.»

(منتخب الاثر ،‌ص 341)

امام حسن عسكري(ع) كه اينك با ديدن چهرة زيباي اولين و آخرين فرزند خويش، وعده خدا را عـملي مي‌يافت، سرشـار از شادي سر به سجده گذاشت و گفت: « سپاس خداي را كه مرا زنده نگه داشت تا فرزند و جانشين مرا به من بنماياند.» (كفايه الاثر ، ص 291)

چشمان نرجس عليها السلام به اشك نشسته بود، آنقدر شاد بود كه آرامش بستر را، تاب نمي آورد. برخاست و بنشست و به صورت نوراني و چشمهاي درشت فرزندش خيره شد.

مهدي(ع) كه در آغوش حكيمه خاتون قرار داشت، ‌دستهايش را به طرف مادر دراز كرد و لحظه‎اي بعد در آغوش گرم او جاي گرفت.

(برگرفته از كتاب: غيبت، ظهور، امامت )

«... اين عيد، عيد تمام بشر است،‌ تمام بشر را ايشان هدايت خواهند كرد ان شاءالله و ظلم و جور را از روي زمين بر مي دارند به همان معناي مطلقش، از اين جهت اين عيد، بسيار بزرگ است كه به يك معنا، ‌از ولادت حضرت رسول(ص) كه بزرگترين اعياد است، بزرگتر است. و ما بايد در اين چنين روزها و در اين طور ايام الله توجه كنيم كه خودمان را مهيا كنيم از براي آمدن آن حضرت. من نمي‌توانم اسم رهبر روي ايشان بگذارم، بزرگتر از اين است،‌ نمي‌توانم بگويم كه شخص اول است براي اينكه دومي در كار نيست، ايشان را نمي‌توانيم با هيچ تعبيري تفسير كنيم الا همين كه مهدي موعود(عج) است، ‌همان است كه خدا ذخيره كرده است براي بشر و ما بايد خودمان را مهيا كنيم از براي اينكه اگر چنانچه موفق به زيارت ايشان شديم، طوري باشد كه رو سفيد باشيم پيش ايشان.»

(امام خميني (ره) 7/4/59)

# «امام زمان (عج) در قرآن كريم.» 20

حدود سيصد آية قرآن درباره اما زمان (ع) و انتظار ظهور آن حضرت تأويل شده است كه به ذكر بعضي از آنان مي‌پردازيم:

«بُقٍيـَّهُ الله خَيًرّ لكم اِنْ كنتم مْومٍنين.» (سوره هود، 86)

اين آيه، از آيات مشهوري است كه به امام عصر (عج) تأويل شده و در روايات امده نخستين آيه‌اي است كه امام زمان (عج) پس از ظهور تلاوت مي‌كنند.

( جان جانان، ص 114/ بحار، ج 52، ص 92)

معني آيه: «اگر ايمان آورده‌ايد، آنچه باقي مي‌گذارد برايتان بهتر است.

«وعد الله الذين آمنو منكم و عملوا الصالحات ليستظفندمم في الارض...» (سوره نور، آيه 55)

معني آيه: خدا به كساني از شما كه ايمان آورده و كارهاي پايسته كرده‌اند، وعده داد كه روي زمين جانشين ديگرانشان كند.تأويل «الذين امنو» امام زمان(ع) و ياران او مي‌باشد كه خلفاي روي زمين خواهند شد. (جان جانان،ص 16/ بحار ، ج51، ص 58)

«و نريد ان نمن علي الذين استضعفوا في الارض نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين.» (سوره قصص، آيه 5)

معني آيه: و ما بر آن هستيم كه بر مستضعفان زمين منت نهيم و آنان را پيشوايان سازيم و وارثان گردانيم.

تأويل«الذين » آل محمد هستند كه به و سيلة امام زمان (عج) پيشوايان و وارثان زمين خواهند شد.

(جان جانان، ص 17/ بحار الانوار، ج 51، ص 54)

« امن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف السوء و يجعلكم خلفاء الارض ...» ( سوره نمل ، آيه 62)

معني آيه: آنكه درمانده را چون بخواند، اجابتش كند و رنج را بر طرف نمايد و شما را جانشينان زمين قرار‌دهد.

تأويل «المضطر» امام زمان عجل الله مي‌باشد. « ان نشا‌تنزل‌عليهم‌من السماء ايه فظلت اعناقهم‌لها‌خاضعين»

(سورة شعراء ، آيه 4)

معني آيه: اگر بخواهيم از آسمان بر ايشان آيتي فرو مي‌فرستاديم كه در برابر آن به فروتني گردن فرود مي‌آوردند.

«آيه» اشاره به نداي آسماني است كه نام امام عصر (عج) را ندا مي‌كند. نداي آسماني از علامات حتمي ظهور مي‌باشد.

امام صادق(ع) در بيان معني آية كريمة « و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون.» فرمود: « تمام كتب آسماني، ذكر خداست و بندگان شايستة خدا كه وارثان زمين هستند ، حضرت قائم(ع) و ياران او مي‌باشند.

«هو الذي ارسل رسوله بالهدي و دين الحق ليظهره علي الدين كله و لو كره المشركون.» ( توبه، 33)

معني آيه: اوست خدايي كه پيامبرش را با هدايت و دين حق غرو فرستاد تا آن را بر همة اديان پيروز گرداند اگر چه ناخواشايند كافران باشد.

امام صادق (ع) دربارة اين آيه فرمودند:« به خدا سوگند! هنوز تأويل اين آيه نازل نشده است و تا زمان قيام قائم(ع) نيز نازل نخواهد شد. پس زماني كه قائم بپاخيزد، هيچ كافر و مشركي نمي‌ماند مگر آنكه خروج او را ناخوشايند مي‌شمارد.»

(غيبت ، ظهور ، امامت ص 17/ كمال الدين، ج 2، ص 670)

«الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزكاه... » (سوره حج، آيه 41)

معني آيه: كساني كه اگر آنان را در زمين قدرت بخشيم نماز به پا مي‌دارند و زكات مي‌دهند.

امام باقر(ع) دربارة اين آيه فرمودند: « اين آيه در حق آل محمد(ص) است. در حق حضرت مهدي(عج) و ياران او خداوند شرق و غرب زمين را تحت سلطة آنان قرار مي‌دهد و به وسيلة آنان دين را پيروز گردانده و بدعتها و باطلها را مي‌ميراند.»

(غيبت، ظهور، امامت، ص 18/ تأويل الآيات الظاهره)

# «لزوم آراستگي به عدالت و تقوا در منتظران.» 21

فرد منتظر بايد يك متدين راسيتن بوده، به زيور عدالت، تقوا و پارسايي آراسته باشد. پيرو واقعي وصديق حضرت ولي‌عصر (عج) كسي است كه رفتار و مكتب آن جناب را الگوي عملي خود قرار دهد. قيام مولا و تمامي زحمات جان فرساي ايشان و همة مجاهدت‌ها و رشادت‌‌ها و شهادت‌هاي ياران بزرگوار وي در راه تربيت نفوس و پرورش دينداران واقعي بوده است. طبعاً انصار و ياران حضرتش كه در اين مهم وي را ياري مي‌رسانند، با رهبر خود هم سنخي روحي و رفتاري خواهند داشت. نشانة بارز كساني كه در دوره غيبت قائم(ع)، انتظار پيشه مي‌كنند، به روشني در كلام نبوي ذكر شده است. حضرت رسول(ص)، در تجليل از مقام شامخ «منتظران آخر الزمان» خطاب به صاحبه فرمود:

«شما اصحاب من هستيد، ليكن برادران من مردمي هستند كه در آخر الزمان مي‌آيند.»

آنگاه در مقام توصيف اوج مجاهدت و تدين ايشان مي‌فرمايد: « هريك از ايشان بيش از { كسي كه به جز} پوست كندن درخت خار با دست خالي در شب تاريك يا نگهداري آتش سوزان چوب درخت تاغ در كف دست، در دينداري خود استقامت و پايداري مي‌ورزد. به راستي كه آنان چراغ‌هاي هدايت در شب‌هاي ظلماني هستند.» (بحار الانوار، ج52، ص 124)

در اسلام، رابطة تنگاتنگي ميان عدالت فردي و اجتماعي وجود دارد. از ديدگاه اسلام، پيدايش عدالت فراگير اجتماعي در گرو تحقيق عدالت فردي در آحاد جامعه است. اين بدان معناست كه بر آيند تعادل مهر‌ه‌هاي يك مجموعه به تعادل كل آن منتهي مي‌شود.

عدل مقابل ظلم است. كسي كه ظلم باشد، عادل نيست و از آنجا كه « ارتكاب معصيت » ظلم به نفس تلقي مي‌شود،فرد‌گناهكاربراي هر گونه ظلم اجتماعي آمادگي رواني لازم را خواهد داشت. زيرا معمولاً كسي كه حقوق خودش را پاس نمي‌دارد، حقوق ديگران را نيز ارزشمند نمي‌دانند.

بر اين اساس، رتبة «حقوق عدالت فردي» بر «ايجاد عدالت اجتماعي» مقدم است. يعني حصول عدالت انفسي پيش نياز وصول به عدالت آفاقي است.

از اين رو ، اگر فردي با اجتناب از معاصي و رعايت تقواي الهي، بتواند ملكة عدالت را در خود پديد آورد و با ايجاد تعادل در ميان قواي نفساني خود، اركان حيات اخلاقي را در وجود خود نهادينه شازد، آنگاه مي‌تواند در عصر ظهور كه عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خويش را با شرايط نوين تمدن توحيدي مهدوي هماهنگ سازد. اما در غير اين صورت، هاضمة شخصيت فرد، قدرت جذب مؤلفه‌هاي فرهنگ عدالت محور دولت كريمه را نخواهد داشت.

منتظرانِ گوش به فرمان حضرت، كه در ركابش حاضر مي‌شوند، عاملان به فرمان الهي: « اتقو الله حق تقاته.» ؛ « آن گونه حق تقوا و پرهيزگاري است از خدا بپرهيزيد.» مي‌باشد.

باري، هر كس مي‌خواهد در شمار منتظران حقيقي آن « عدل منتظر» باشد، بايد پارسايي پيشه كند و متخلق به مكارم اخلاق گردد و به معناي دقيق كلمة، انساني مكتبي باشد. ( بحار الانوار، ج 52، ص 14)

پارسايي و مكارم اخلاق دو مقوله ايست كه منتظران بايد آن را شناخته و در مرحلة بعد، عمل به آن را در دستور كا رخود قرار دهند.

{ بر گرفته از كتاب: نشانه‌هاي يار و چكامة انتظار}

# « مهدي(ع)ساحل سبز اميد » 22

آرمان تشكيل حكومتي عدل پرور و فضيلت گستر و تحقق جامعة حق محور، انديشمندان را بر آن داشته كه به طراحي مدل آن شهر طلايي بپردازند و جامعه بشري را بدان بشارت دهند:

افلاطون نقشة« اتوپيا» را رسم كرد.

فارابي تابلوي « ميدنه فاضله » را ترسيم كرد.

تاس مور « بهشت زميني » را نويد داد.

كارل ماركس « جامعه بي طبقه » را وعده‌گاه آخرين منزل تاريخ دانست.

آري! انسانها كه فطرت تكامل‌جو و كمال طلبشان، آنان را از وضع نا مطلوب كنونيِ حاكم بر جوامع بشري گريزان شاخته، به نيك شهري مي‌انديشند كه بستر مناسبي را براي شكوفايي گرايش‌هاي‌ عميق فطري آدمي و رشد فضايل ناب انساني فراهم سازد. امّا نكتة قابل توجه و مسئله اساسي اين است كه هيچ يك از ايشان، راهكارهاي عملي و تضمين شده جهت بيرون رفتن از حالت نابسامان مستقر را ارايه نكرده‌اند. دغدغة بنيادين در هر طرح پيشنهادي و دگرگوني همه جانبه جوامع كنوني، « بحران ضمانت اجرايي » است. ريشة بحران اينجاست كه لازمة ايجاد حكومت و جامعة حق محور، بر چيدن بساط ظلم‌هاي رسمي و غير رسمي و حق كشي‌هاي قانوني و غير قانوني و بر اندازي همة حاكميت‌هاي ستمگرانه و استثمار و استكبار است. اين، يعني درگير شدن با تمامي موجوديت و منافع ظالمان و قدرت پرستان و حق ستيزان، اين يعني نبردي تمام عيار با جبهة استكبار جهاني و ستيز با قدرت اهريمني نظام سلطة بين المللي. همگان مي‌دانيم كه در درون مجموعة عوامل طبيعي جبهة حق، عامل اجرايي ضمانت كنندة موفقيت كامل و برتري نهايي بر جبهة باطل وجود ندارد و با خيال پردازي هم نمي‌توان لشگر پر عّده و عُدّة باطل را درهم كوبيد. پس با كدام نيرو مي‌توان معادلة توازن قواي كنوني را- كه به نفع جبهه باطل است- بر هم زد؟ اينجاست كه مكتب اسلام ]اين حلقة نهايي وحي آسماني[ كه دستور العمل جامعِ « حيات طيّبه » بوده و بر اساس حكمت الهي همة لوازم حيات طيّبه آدمي را پيش بيني و فراهم كرده است، موهبت «اميد» ]اميدي پر بركت و سازنده، پر حرارت و گدازنده، ايمان‌زا و جهت بخش، آرمان ساز و اعتماد آفرين، شور آور و مجاهد پرور[ را در سه مرحله به امّت رسول خدا(ص) ارزاني داشته است:

الف) لزوم اميد داشتن به مدد و رحمت الهي؛

( وَ لاتَيْأسُوا مِن رَوحِ الله )

ب) وعدة وارثت و امامت صالحان و مستضعفان؛

( وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَي الذّينَ اسْتُضْعِفُوا في الارضِ وَ نَجْعَلَهُم اَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُم الوارثينَ )

« و خواستيم بر مستضعفان منّت نهيم و آنان راپيشوايان مردم گردانيم و ايشان را وارث زمين كنيم.»

ج) تأمين ضمانت اجرائي وعدة فوق با ظهور منجي‌آخر الزّمان، مهدي موعود (روحي و ارواحُ العالمين لَهُ الفَداه)

و تشكيل آن دولت كريمه به دست آن حضرت؛

( بَقْيَّهُ اللهِ خيرٌ لَكُم اِنْ كُنْتُم مُؤْمِنينَ )

« اگر باور داشته باشيد، ذخيرة الهي براي شما ] از هر كس و هر چيز ديگر[ بهتر است.»

آري! امام مهدي « ارواحُنا لِتُراب مَقْدَمهُ الفَداء »

عامل اجرائي وعدة الهي است، او كه پيروزي‌اش را خود خداوند سبحان ضمانت كرده است. در زيارت آل ياسين خطاب به ساحت مقدس ولي الله الاعظم(عج) عرضه مي‌داريم: « اَلسَّلامُ عَليكَ يا خَليفهَ اللهِ و ناصرَ حَقِّه ... اَلسَّلامُ عَليكَ يا وَعْدَ اللهِ الّذي ضَمِنَه ... » سلام بر تو اي وعدة تضمين شدة الهي !

مهدي (ع) براي طوفان زدگان كشتي شكستگان و غريقان گرداب‌هاي فتنه در دوران مدرن، ساحل امن اميد است. و اين اميد، بزرگترين هديه‌اي است كه‌جامعة بشري در اين دوران دريافت داشته است و هديه كنندة آن حقي بس عظيم بر گردن آدميان دارد. در ادبيات ديني مكتب اسلام، گلواژة « انتظار » زيباترين و كامل ترين جلوة بندگي است تا آنجا كه رسول خدا(ص) فرمودند: « اَفْضَلُ العبادَهِ انتظارُ الفَرَج »

{ بر گرفته از كتاب نشانه‌هاي يار و چكامة انتظار، نوشتة مهدي عليزاده، با تلخيص }

# « لزوم اصلاح طلبي و ظلم ستيزي در منتظران » 23

فرد منتظر بايد به سهم خود، در راه اصلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدي بكوشد؛ آن كه منتظر مصلح جهاني است، خود نيز بايد صالح و مُصلح باشد. در شريعت مقدّس اسلام تأكيدهاي فراواني مبني بر لزوم مبارزه با هر گونه فساد اخلاقي، سياسي و اجتماعي وارد شده است. شارع مقدس اين حساسيت حكيمانه را در قالب تقنين به صورت « اصل امر به معروف و نهي از منكر» ابراز كرده است. امر به معروف و نهي از منكر از ديدگاه فقه اسلامي وظيفه‌اي همگاني و شرعي است نتيجة مستقيم انجام اين فريضه، « اصلاح » و مجري آن « مُصلح » ناميده مي‌شود.

براي درك اهميّت اين اصل در اسلام، به ذكر يك آيه از قرآن كريم و دو حديث از اهل بيت عصمت و طهارت بسنده مي‌كنيم. خداي سبحان مي‌فرمايد: « شما بهترين امّتي هستيد كه براي انسان‌‌ها پديدارشده است، ]براي اين كه[ امر به معروف مي‌كنيد و نهي از منكر، و به خدا ايمان داريد ... » ( آل عمران، آيه 110 )

همچنين رسول خدا فرمودند: « اي مردم ! خداوند مي‌فرمايد: امر به معروف و نهي از منكر كنيد پيش از آن كه مرا بخوانيد، و به شما پاسخ ندهم و از من در خواست كنيد، شما را محروم سازم و از من ياري طلبيد، شما را ياري نكنم.» ( الرغيب‌والترهيب/‌منذري‌شامي/ج3/ص 233)

امام باقر(ع)نيز فرموده‌اند: « بي ترديد امر به معروف و نهي از منكر، راه انبياء و طريقة صالحان است. امر به معروف و نهي از منكر، وظيفه‌اي سترگ و خطير است كه ساير واجبات ديني به واسطة آن انجام مي‌پذيرد و راه‌ها به وسيلة آن امنيت مي‌يابد و در آمد‌ها به واسطة آن حلال و مشروع مي‌گردند و مظالم دفع مي‌گردد و زمين آباد مي‌شود و از دشمنان انتقام گرفته مي‌شود و امور سامان مي‌يابد.» ( كافي/ ج5/ص56)

همچنين روايات فراواني بيانگر اين است كه چنانچه‌اين فريضه ترك شود، اشرار بر جامعه حاكم مي‌گردند و عذاب الهي نازل خواهد شد.

بايد دانست امر به معروف و نهي از منكر در عصر غيبت، دو ويژگي دارد:

الف) سطح فردي: در هر انقلابي، پس از پيروزي و تثبيت، نياز اساسي و نخستين، ضرورت وجود نيروي انساني مجّرب و قابل اعتماد است. از اين رو، تشكّل‌هاي سياسي، احزاب و ... به مسلئه « كادر سازي» اهميّت جدي مي‌دهند. (كارد در اينجا مجموعه افراد ورزيده و قابل اعتماد و وارد به كار مي‌باشند)

انقلاب عظيم مصلح‌ جهاني هم از اين قاعده مستثني نيست، يعني رأس مخروط رهبري انقلاب براي ادارة كشوري به گستردگي چند قاره و تثبيت پايه‌هاي تمدّن نوين خود، به حجم عظيمي از نيروي ورزيده قابل اعتماد انساني نياز دارد و جامعة منتظران در عصر غيبت و تا پيش از ظهور حضرت، بايد در درون خود، عمليات بنیادين كادر سازي را آغاز كند.

يكي از شاخص‌هاي اصلي كادر انقلابي حكومت‌ مهدوي، پارسايي و تهذيب نفس و آراستگي به مكارم اخلاق و ... است يقيناً در جامعه‌اي كه داعيان به خير و نيكي، باز داردندگان از شر و زشتي وجود نداشته باشند، نفوس مهذّب بستري مساعد براي رشد و تكثير پيدا نمي‌كنند؛ به ويژه اگر قرار نباشد كه شكوفايي استعدادهاي معنوي در قالب‌تنگِ استثناها محصور گردد. بنابراين، امر به معروف و نهي از منكر نسبت به تك تك افراد، پيش نيازي اساسي براي پرورش كادر فرماندهان و كارگزاران حكومت مصلح جهاني است. حكومتي كه به فرماندهان ارشد لشكري و مديران بر جستة كشوري بسياري در مرحله اول و فرماندهان و مديران انبوهي در درجه دوم نيازمند است.

ويژگي دوم امر به معروف و نهي از منكر در عصر غيبت ان شاء الله در شمارة بعدي توضيح خواهد داده شد.

# ِ « انتظار ويرانگر چيست ؟ » 26؟

برداشت قشري بعضي از مردم از مهدويت وقيام وانقلاب مهدي موعود(ع)اين است كه صرفاًماهيّت انفجاري دارد.

فقط وفقط ازگسترش واشاعه ورواج ظلمها و تبعيض ها واختناقهاوحق كشي هاوتباهيهاناشي ميشود،نوعي سامان يافتن است كه معلول پريشان شدن است.آنگاه كه صلاح به نقطه صفر برسد، حق وحقيقت هيچ طرفـداري نداشـته

باشد،باطل يكّه تاز ميدان گردد،جـز نيروي باطل نيرويـي حكومت نكند،فرد صالحي درجهان يافـــت نشــود،ايــن انفجار رخ مي دهد ودست غيب براي نجات حقيقت ـ نه اهـل حقيقت ،زيرا حقيقت طرفـداري ندارد ــ از آسـتين غيب بيرون مي آيـد.عليـهذا هر اصلاحي محكـوم اسـت، زيراهر اصلاح يك نقطه روشن است؛وتادرصحنه اجتماع نقطه روشني هست دست غيب ظاهر نمي شود،

بـرعكس هرگناه وهرفسادي وهر ظلم وهرتبعـيض وهـرحق كشي، هرپليـدي اي به حكم اينكـه مقـدّمه اصلاح كلـّي اسـت وانفجـار راقريب الـوقوع مي كندرواسـت،زيرا «‌ْ‌ْاَلْغـاياتُ تَبَرَّرُ المَبادي» ـ (هدف هاوسيله هاي نامشـروع رامشـروع مي كنند) پس بهترين كمك به تسريع در ظهور وبهترين شكل انتظار،ترويج واشاعه فساد است.اينجاست كه گناه، هم فال است وهم تماشا،هم لذّت وهم كامجويي است و هم كمك به انقلاب مقدّس نهايي.اينجاست كه اين شعر مصداق واقعي خود را مي يابد:

در دل دوست به هر حيله رهي بايد كرد

طاعت از دست نيايـد گنـهي بايد كرد

اين گـروه ( كه معتـقد به چنين انتظاري هسـتند) طبـعاً بـه مصلحان ومجاهدان وآمران به معروف وناهيان ازمنكر با نوعي بغض وعداوت مينگرند،زيراآنان راازتأخيراندازا ن ظـهور وقيام مـهدي موعود(ع) مي شمارند.برعكس،اگر خود هم اهل گناه نباشند،دراعماق ضمير وانديشة بانوعي رضايت به گناهكاران و عـامـلان فسـاد مي نگرنـد، زيرا اينـان مـقدّمات ظـهـوررا فـراهـم مي نمـايند.ايـن نوع از برداشـت از آن جهت كـه با اصـلاحـات مـخالف اسـت وفسادها و تباهي ها اربه عنوان مقدّمة يك انفجار مقدّس، موجّه ومطلوب مي شمارند بايد « شبه ديالتيكي » خوانده شود ،با اين تفاوت كـه در تفكّر ديالتيكي بااصلاحات از آن جهت مخالف مي شودوتشديد نابسامانيها ازآن جهت اجازه داده مي شودكـه شـكاف وسيـع تر شـود و مبـارزه پيگيرتر وداغـتر گردد، ولـي اين تفكـّر عـاميانه فـاقد اين مزيّت اسـت؛ فقط به فساد و تباهي فتوا مي دهد كه خود به خـود منـجر به نتيجة مطـلوب بشوداين نوع برداشت از ظهور و قيـام مهدي موعود (ع) و اين نوع انتظار فرج كه منجر به نوعي تعطيلي درحدود ومقررّات اسلام مي شود و نوعي «اباحيگـري » بايـد شـمرده شـود به هيـچ وجه با موازين اسلامي و قرآني وفق نمي دهد.

} بر گرفته از كتاب قيام و انقلاب مهدي(ع) ، شهيد مطهّري{

آنها كه همـه چيـز را به حضرت صاحب (ع) مي سپارند وكمتـرين رنجي را متـحمّل نمي شونـد وهيچ گاه براي دين خـود يك سيلي هم نخورده اند ، منـتظراني هسـتند كه شايد از دشمنان بسي خطرناكتر باشند و ...

... يكي از وظايف جامعه منتظران فراهم نمودن مـقدّمات ظهور در جوامع انساني اسـت. مسلّمـاً كسي كه به انـتظار خورشيـد عالـمتاب به سر مي برد، شب را در تاريكي به سر نمي كند ، بلكه چراغي مي افـروزد تـا شبِ تاريكِ هجران را به صبح روشن وصال پيوند بزند.

لذا انسان منتظر هيچگاه از پـاي نمي نشيند، نه تنها انتظار، اورا زمين گـير نمي كنـد بلكه وي رابه تـلاشِ بـيشـتر وا مي دارد ودر همين حـال با تضرّع و زاري از عمق دل و جان رفع موانع ظهور را از حضرت حق طـلب مي كند و با زبان حال و قال امام غايب را مي خوانـدواين وظيفه اي براي هر كسي است كه دلش به عشق آقـا امـام زمـان(ع) و براي برقراري حكومت عدل جهاني مي طپد . ( نقل از كتاب مهر جهانگير ، نوشته محمد نيكنام )

# لزوم اصلاح طلبي و ظلم ستيزي در منتظران (2) 22؟

در شمارة پيش گفتيم كه امر به معروف ونهي از منكر در عصـر غيبت دو ويژگي دارد : يكي درسطح فردي(كه در شمارة قبلي توضيح داده شد)و ديگري درسطح حكومتي.

امر به معروف و نهي از منكر در سطح حكومتي:

منتـظران مصـلح جـهانـي موظـّف انـدبـامنكـرات كـلان حكومتي برخورد فعّـال وجدّي داشته باشند . از آنجا كه « اَلنـّاس عَلَي الـدّين مـُلوكهم : مردم بر دين پادشاهانشان هستند » ( امروزه هر چند مُدل حكومتهاي پادشاهي آرام آرام به طور كلّي از صحنة سياسي دنيا خارج شده است، امّـا مفـادّ ايـن كـلام هنـوز صـادق اسـت ؛ زيرا دسـتگـاه تبليغاتي حكومتي و رسانه هاي دولتي به نحوي مؤثّرتر از پيش ، ارزش هاي مورد نـظر خـودشان را به تـودة مـردم تزريق مي كنند ]تاآنـجا كه معلوم شده است 96% رسانها در سيطره وقدرت يهوديان مي باشـد[) منـكراتي كه از سوي دستگاهـهاي رسـمي اشـاعه مي گردد، تأثيـري به مراتب مخرّب تررا در بردارد.

از سوي ديگر ،يكي از اساسي ترين رسالت هاي منجي موعـود (عج) برچيـدن بسـاط ظـلم وحـق كشـي هـميـن حاكميت هاي غير الهي و صاحـبان زر و زور است.او مي آيدتا بازوان اخُتاپوسِ نظامِ سلطة جهاني رابا تبر ابراهيمي خود براي هميشه قطع كند.

به پا خاستن مستضعفان در ركاب منجي عالـم و مواجهة آنان با صاحبان بمب هاي هسته اي، موشكهاي بالستيك وكلاهك هاي اتمي وسلاح هاي ميكروبي وشيميايي و... نيازمندِ پيش زمينة رواني مساعد دارد.اگر آنان عمري را در پذيرش سلطة ستمگران سپري كرده باشند واگر كسي را به يـاد نيـاورنـد كـه يكبـار به خـود جـرأت مـواجه با سركردگان استكبار جهاني را داده باشد ، مـرعوب بودن در مقابل حزب الشيطان،چون عادتي ثانوي در وجودشان رخنه خواهد كـرد، وايـن ضعـف عمدة روحـي،در مـوج خيزِ خطرات ، قـدم هـاي آنـان را سُست خواهد كرد.

امـربـه معـروف ونهـي از منكرِ حاكـمان ودولتها يكي از ارزشـمندتـرين اقـدامات فرد مسـلمان شمرده شده است.

اميرمؤمنان علي (ع) فرموده اند : «امـر به معروف ونهي از منكر ، نه اجلي را نزديك ونه رزقي را كم مي كند ،]امّا[ برتر از آن هـمه،سـخن عـادلانـه اي اسـت كه پيش روي حاكمِ ستمگري بر زبان جاري شود.» (غررالحكم/كلمة3648)

امام باقر (ع)نيز فرمودند:«هر كس به سوي حاكم ستمگر رود واورا به پرواي الهـي امـر نمـوده ومـوعظـه اش كنـد وبترساند ،خداوند مانند اجرجن و انس وعبادت ايشان را به وي اعطا كند.» ( بحار الانوار/ ج75/ص375)

باري! منتـظران واقـعي، ايـن زمينه سازانِ ظهور با اقتدا به مـولاي قائم خـود ( روحـي وارواح الـعالـمين لـه الفدا )، مشـي مبارزاتي و قيام عليه دستگاه جبّاران را پيشة خود ميسازند آنان به هنگام شنيدن لقب مولاي خودقائم به پامي ايستند وبا اين عمل آمادگي هميشگي خـود را اعـلام مي دارند.

آنان پيام رئيس مذهب، امام صادق(ع)راكه فرمود : « حتماً هر يك از شما منتـظران براي قيـام حضـرت قائـم سلاح تهيّه كند ، هر چند يك تير .»

( بحار الانوار/ ج52/ص366)

لبّـيك مي گويـنـد و خـطاب به خـداوند سبحـان عـرضه مي دارند : «اَللّهُمَّ ِانْ حـالَ بَيْني وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ اَلَّذي جَعَلْتَهُ عَلَي عِبادِكَ حَتْـماً مَقْضياً ، فَأََخْرِجْني مِنْ قَبْري ، مُؤتَزِراً كَفَني، شاهِراً سَـيْفي، مُجَرِّداً قـَناتي ، مُلَبـيّاً دَعْوَه الداعي، فِي الْحاضِرِ وَ الْبادي : بارالها ! هرگاه ميـان من و مولايم مرگ حايل گردد كـه سـرنوشـت حـتمي بندگـانت قرار دادي ، از تو مي خـواهم كه مرا از قبرم بيرون آوري، در حالـي كـه كـفن بر تن كرده ، با شـمشير بركشيده و نيزة برهنه ، دعوت آن دعوت كننده به خير را در شهر و باديه اجابت كنم ]و در ركابش حاضر گردم [. »

# « كيفيت بهره وري از امام غائب(ع)» 26

جابر بن عبدالله انصاري از رسول خدا(ص)پرسيد: آيا شيعيان در غيبت حضرت قائم(ع) از وجود او بهره‌مند مي‌شوند؟

فرمود: « آري ! سوگند به خدايي كه مرا به پيامبري بر انگيخت آنها از او بهره‌مند مي‌شوند و از نور ولايت او در دوران غبيتش كسب نور مي‌كنند، همچنانكه مردم از خورشيد در پس پردة ابر بهره مي‌برند.»

(بحار الانوار،ج52،تاريخ امام دوازدهم،ص93)

سؤال دربارة چگونگي استفاده بردن از امام غائب(ع)، هم در زمان پيامبر(ص) و هم در زمان امام معصوم(عليه السلام) و هم در زمان غيبت صغري، توسط شيعيان تكرار شده و مضمون حديث فوق، در اكثر آنها به عنوان پاسخ ذكر شده است. چنانكه خود امام زمان(ع) فرمود: « وَ امّا وجه الانتفاع‌بي في‌غيبتي فَكا لانتفاع بالشَّمس اِذَا غَيّبها الابْصارِ الحسابُ.» (بحار،ج52،تاريخ‌امام‌دوازدهم،ص92)

«اما چگونگي بهره‌بردن از من در دوران غيبتم مانند بهره بردن از خورشيد است در زماني كه ابرها آن را از ديدگان مردم مي‌پوشانند.»

علاّمه مجلسي در وجه تشبيه امام غائب(ع) به خورشيد در پس ابر، مواردي را ذكر مي‌كنند:

1)نور وجود و علم و هدايت، به واسطة آن حضرت(ع) به خلايق مي‌رسد. چنانكه در اخبار متعدّد روايت شده كه او و ساير اهل بيت علت ايجاد خلق هستند و به بركت آنان است كه علوم و معارف بر مردم آشكار شده و بلاها رفع مي‌شود.

2)چنانكه مردم از خورشيد پس ابر استفاده مي‌برند و با اين همه به خاطر بهره‌بردن بيشتر، هر لحظه انتظار بر طرف شدن ابرها را دارند، شيعيان مخلص در هر زمان منتظر ظهور و قيام او هستند.

3)منكر وجود حضرت مهدي(ع)، با اين همه آثاري كه در غيبت از او ظاهر مي‌شود، مثل انكار كنندة وجود خورشيد است در پس پردة ابر.

4) چنانكه نهان شدن خورشيد در پس ابرها گاهي بهتر از آشكار شدن آن است، مي‌توان گفت: در دوران غيبت براي شيعه، پنهان ماندن آن حضرت، مفيد‌تر و بهتر است.

5) همانطور كه نظر كننده به خورشيد، چه بسا با نبودن ابر دچار كوري شود، چه بسا خورشيد وجود مقدس حضرت مهدي(ع) هم، اگر ظاهر باشد، براي بصيرت شيعيان ضرر داشته باشد و سبب كوري آنان از ديدن حقيقت شود، اما همين بصيرت‌ها بتواند تحمل ايمان به او در دورة غيبت را داشته باشد، چنانكه انسان به خورشيد در پشت ابرها مي‌نگرد و زيان نمي‌ربيند.

6) خورشيد گاهي از پردة ابر خارج مي‌شود و بسياري از مردم، آن را مي‌بينند، به همين ترتيب ممكن است كه آن حضرت هم در روزگار براي بعضي مردم بروز كند.

7) اهلبيت عليهم السلام درشمول‌منافع،‌چونان‌خورشيدندپس همانطور كه انسانِ كور، خورشيد را چه ظاهر و چه در پس ابر، نمي‌بيند، كور باطنان هم خورشيد وجود امام غايب را نمي‌بينند، « من كان في هذه أعمي فهو في الاخره أعمي و اضل سبيلاً.» (سورة اسراء،آية72)

«هر كس در اين دنيا كور باشد، در آخرت نيز كور خواهد بود بلكه زيانكارتر و گمراهتر»

8) چنانكه نور خورشيد در هر خانه‌اي به مقدار وجود روزنه‌ها و پنجره‌ها مي‌تابد و به مقداري كه موانع را از جلو نور برداشته باشند، خانه را روشن مي‌كند. به همين ترتيب مردم به اندازه‌اي كه موانع معرفت، همچون شهوات نفساني و تعلّقات جسماني را از فكر و انديشة خود برداشته و به ميزاني كه پرده‌هاي تاريك مادي را از روي دل خود كنار زده باشند، مي‌توانند از نور هدايت آن حضرت و اهل بيت عليهم السلام استفاده ببرند، تا امر به آنجا برسد كه مانند شخصي شود كه زير آسمان بدون ابر قرار گرفته كه بدون‌هيچ حجابي، پرتو خورشيد او را از هر طرف احاطه كرده باشد.

علامه مجلسي به دنبال اين نكات مي‌فرمايد:« از اين بهشت روحاني، هشت در را به رويت گشودم در حالي كه خداوند هشت باب ديگر را نيز به فضل خويش بر من گشود است، لكن عبارت را از ذكر آنها ناتوان مي‌بينيم. چه بسا كه خداوند در باب معرفت اهل بيت هزار در برما بگشايد كه از هر دري، هزار در ديگر گشوده شود.» (بحار الانوار،ج52/تاريخ امام داوزدهم،ص93)

{بر گرفته از كتاب‌غيبت،‌ظهور،‌امامت،‌واحد‌تحقيقات‌مسجد‌مقدس‌جمكران}

# « انتظار سازنده » 27

ظهور مهدي موعود(ع) حلقه‌اي است از حلقه‌هاي مبارزة اهل حق و اهل باطل كه به پيروزي نهايي اهل حق منتهي مي‌شود.

سهيم بودن يك فرد در اين سعادت موقوف به اين است كه آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آياتي كه بدان‌ها در روايات استناده شده است نشان مي‌دهد كه مهدي موعود(عج) مظهر نويدي است كه به اهل ايمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پيروزي نهايي اهل ايمان است: « خداوند به مؤمنان و شايسته‌كاران وعده داده است كه آنان را جانشينان زمين قرار دهد ... ديني كه براي آنها آن را پسنديده است مستقر سازد و ...» (نور،55)

ظهور مهدي موعود منّتي است بر مستضعفان و خوار شمرده شدگان، و وسيله‌اي است براي پيشوا و مقتدا شدن آنان، و مقدمه‌اي است براي‌وراثت‌آنها،‌خلافت‌الهي را در روي زمين. « وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَي الذّينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الوارثينَ.»

ظهور مهدي موعود(عج)، تحقق بخش وعده‌اي است كه خداوند متعال از قديم‌ترين زمانها در كتب آسماني به صالحان داده شده است كه زمين از آنِ آنان است و پايان تنها به متقيان تعلّق دارد: « وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ اَنَّ الْاَرْضَ يَرِثُها عبادِيَ الصّالِحُونَ. »

حديث معروف كه مي‌فرمايد: « يَمْلَاُ اللهُ بِهِ الاَرْضَ قِسطاً وَ عَدْلاً بَعْدَ ما مُلِئَت ظُلْماً وَ جَوْراً.» نيز شاهد مدعاي ماست نه بر مدعاي آن گروه. در اين حديث نيز تكيه بر روي ظلم شده است و سخن از گروه مظلوم است كه مستلزم وجود گروه مظلوم است و مي‌رساند كه قيام مهدي براي حمايت مظلوماني است كه استحقاق حمايت دارند.

شيخ صدوق روايتي از امام صادق(ع) نقل مي‌كند مبني برا اينكه اين امر تحقيق نمي‌پذيرد مگر اينكه‌هر‌يك، از بدكار و سعادتمند به نهايت كار خود برسد. پس سخن در اين است كه گروه سعادتمندان و گروه بدكاران هر كدام به نهايت كا رخود برسند؛ سخن در اين نيست كه سعيدي در كار نباشد و فقط اشقياء به منتهي درجة شقاوت برسند. در روايات اسلامي سخن از گروهي زبده است كه به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق مي‌شوند. بديهي است كه اين گروه ابتدا به ساكن خلق نمي‌شوند و به قول معروف از پاي بوتة هيزم سبز نمي‌شوند. معلوم مي‌شود در عين اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمينه‌هايي عالي وجود دارد كه چنين گروه زبده را پرورش مي‌دهد. اين خود مي‌رساند كه نه تنها حق و حقيقت به صفر نرسيده است، بلكه فرضاً اگر اهل حق از نظر كميّت قابل توجه نباشد از نظر كيفيت ارزنده‌ترين اهل ايمانند و در رديف ياران سيد الشهدا. ] در واقع وظيفه ما هم ساختن چنين شرايط سالم و مطلوبي است كه در آن اهل ايمان پرورش يابند.[

از نظر روايات اسلامي، در مقدمة قيام و ظهور امام يك سلسه قيام‌هاي ديگر از طرف اهل حق صورت مي‌گيرد. آنچه به نام قيام يماني قبل از ظهرو بيان شده است، نمونه‌اي است از اين سلسه قيام‌ها. اين جريان‌ها نيز ابتدا به ساكن و بدون زمينة قبلي رخ نمي‌دهد. در برخي روايات اسلامي سخن از دولتي است از اهل حق كه تا قيام مهدي(عج) ادامه پيدا مي‌كند و چنانچه مي‌دانيم بعضي از علماي شيعه كه به برخي از دولت‌هاي شيعي معاصر خود حسن ظّن داشته‌اند، احتمال داده‌اند كه دولت حقي كه تا قيام مهدي موعود(عج) ادامه خواهد يافت همان سلسه دولتي باشد. اين احتمال هر چند ناشي از ضعف اطلاعات اجتماعي و عدم بينش صحيح آنان به اوضاع سياسي زمان خود بوده، اما حكايتگر اين است كه استنباط اين شخصيتها از مجموع آيات و اخبار و احاديث مهدي اين نبوده كه جناح حق و عدل و ايمان بايد يكسره در هم بشكند و نابود شود‌ و‌ اثري‌ از ‌صالحان و متّقيان باقي نماند تا دولت مهدوي ظاهر شود، بلكه آن را به صورت پيروزي جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بي‌بند و باري تلقّي مي‌كرده‌اند. از مجموع آيات و روايات استنباط مي‌شود كه قيام مهدي(ع) آخرين حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است كه از آغاز جهان برپا بوده است. مهدي موعود(ع) تحقق بخش ايده آل همة انبياء و اولياء و مردان مبارزه راه حق است.

{ بر گرفته از كتالب قيام و انقلاب مهدي(ع)، شهيد مطهري }

# « يالَثارات الحسين » 30

يا لثارات الحسين ، شعاري است كه هميشه در خون شيعه مي جوشد ، « يا لثارات الحسين:بياييد به طلب خون حسين»ايـن شعارِ شـورآور ، از ظهر عاشـورا ، از درون خاك خونيـن كربلا برخاست ، و در جـام خورشيـد ريخت ، و به همه چيـز رنگ خون زد ، شفقِ خونبار را بياراست ، و فجرِ بيداررابياكند،

و در كوهها و هـامونـها ، و دشـت و جنـگل ها ، و نـهرها و رودها ، در آبادي و شهرها ، در همه جا و همه چيز بگسترد ،و همه جا و همه وقت ، خون ها را به جوش آورد ، و نهضتهارا شكل داد .

اين شعار است كه همه جا را كربلا كرده است ، و همه ماه را محرّم ، و همه روز را عاشورا ... و همينشـعار است كه بر پـرچمِ شورشيـانِ دورانِ شـورشِ بزرگ ، شورشِ مهدي (ع) نيز ، نقش خواهـد بست . همانهاكه در آزمون ورودي به دانشگاه مجـاهد پرورِ " انتظار " قبول شـده اند و امـام صادق (ع) اين چنين توصيفشـان مي كند : « ... ياران مهدي (ع) ، مردانيند پولاد دل ، وهمة وجودشـانيقين به خدا ، مـرداني سخت تر از صخره ها . اگر به كوهها روي آورند ، آنها را از جاي بركَننـد . درفش پيروزگر آنـان به هر شهر و پـايتختي روي نهد ، آنجا را به سقوط وادار سـازد.

گويي آن مردان عقابان تيزچنگالند كه بر مركبهاسوارشده اند.اين شيـرمردان پيروز و عقـابـان تيـزچنگ ، بـراي تبـرّك و فرخندگي ، دست خويش به زين امـام مي كشنـد ، و بديـن سان تبرّك مي جويند .

آنان او را در ميان مي گيرند ، و جان خويش را در جنگها سپر او مي سازند ، و هر چه او اشـاره كند با جان و دل انجام مي دهند . اين شيـر اوژنان ، شـب هنگام نخوابند و زمزمة قـرآن و مناجات خويش ، چون صداي زنبوران عسل ، در هم اندازند ، و تـا بامـداد به عبـادت خـداي بايستنـد ، و بامـدادان سـوار بر مركب ها باشند .

آنانند راهبان شـب و شيران روز ، و آنـانند گوش به فرمان امام خويش . و همچون مشعـل هاي فروزانـند ، و دل هـاي منوّرِ آنان ، بسان قنديل هاي نـور در سيـنه هايشان آويخته است .

اين مردان ، تنها از خدا مي ترسند و فرياد « لا اله الّا الله »

آنـان بلند است و همواره در آرزوي شهادت و كشته شدن در راه خدايند . شعار آنان : « يا لَثـاراتِ الْحُسَين : بياييد به طلب خون حسين » است !

آنان به هر سوي رو آورند ، ترس از آنان پيشاپيش ، در دل مردمـان مي افتـد ( و تـاب مقـاومت از همه بگيـرد ) . ايـن خداجويان دسته دسته به سـوي مولاي خويش روي آورده و خدا به دست آنان امام حق را ياري مي كند . » ( بحارالانوار ، ج52 ، ص308 )

اميـد كه ما نيـز به حلقة عاكـفان كوي و شوريـدگان روي دوست ره يابيم .

} برگرفته از كتاب خورشيد مغرب ، نوشتة محمد رضا حكيمي {

دعا براي فرج :

« اَبْرِزْ يا رَبِّ مُشاهِدَتِهِ وَ ثَبِّتْ قَواعِدَهُ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَقِرُّ عَيْنُنا

بِرُؤيَتِهِ وَ اَقِمْنا بِخِدْمَتِهِ وَ تَوَفَّنا عَلَي مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنا في زُمْرَتِهِ.»

( پروردگارا ! ديدارش را آشـكار نما و پايگاههايش را استـوار

گـردان و ما را از كسـاني قـرار ده كه ديدگانش به ديـدار او روشن مي شود و ما را به خدمتـگذاري او مشغـول دار ، و بر

كيش و آييـن وي بميران و ما را در گـروه او محشور فرما .)

( بحارالانوار / ج95 / ص 328 )

« اَللَّهُمَّ وَ لا تَسْلُبْنا الْيَقيـنَ لِطـُولِ الاَمَدِ في غَيْبَتِهِ وَ اِنْقِـطاعِ خَبَرِهِ عَنَّا . »

( خدايـا ! به خاطـر طـولاني شـدن دوران غيبـت او و قطـع گرديدن خبرش از ما ، يقينمان را زايل مگردان .)

( بحارالانوار / ج95 / ص 328 )

# « غيبت كبري ، آزمايش بزرگ » 31

يكي ازابعاد غيبـت كبـري ، بُعد آزمايشي آن است . در اين مرحله، انسان ديني بايد به دقت متوجّه حال خود باشد و قلب خويش راازفروغ ايمان زنده بدارد ،وطول كشيدن زمان ، او را متزلزل نسازد كه چون اصل غيبت به حكمت الهي واقع شده است ،كوتاه بودن و درازبودن مدت آن نيز به حكمـت الـهي تعيين مي گردد ،وبه اراده الهي پايان مي يابد . دراين باره كه مباداطول كشيـدن مدت غيبت ،موجب رخنةشيطان ـ ياانسانهاي شيطان سيرت ـ دردلها شود ،دراحاديثهشدارداده اند ، وبقاي برايمان راتأييدالهي خوانده اند . انسان بايد با توجه به قدرت و حكمـت خدا ، خود را مستعداين تأييد بسـازد ، تا گوهر ايـمان والاي خويش را ، از چنگ رباينـدگان شيطاني و انسـاني و مبلّغان انحرافي و بي اعتماد مصون بدارد .

حضرت امام حسن عسـكري (ع) پدر بزرگوار امام اعصـار غيبت و مهدي موعود امّت ، دربارة سنّت غيبت در پيامبران ،و تكرار آن در مورد مهدي آخرالزمان ، و مسئلة طول مدّت ،چنين مي فرمايد : « پس از من ، فرزندم قائم ( و صاحب امر دين و امامت ) است . و اوسـت كه ماننـد پيامبـران ، عمري دراز خواهد داشت ، و غايـب خواهد شـد . در غيبـت طولاني او دل هايي تيره گردد . فقط كساني در اعتقـاد به او پاي بر جا خواهند ماند كه دل آنان به فروغ ايزدي رخشان باشد ، وروح خدايي به آنان مدد رساند . »( بحارالانوار / ج51 / ص 224 ) در اين حديث شريف ، تعبير " يَجري فيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيا ـ عليهم السلام ـ بِالتَّعْمير وَ الغَيْبَه " قابل توجه است . اين تعبير معلوم مي دارد كه يـكي از آييـن ها و چگونـگي هـا ، در زنـدگاني پيامبران ، « تعمير» بوده است يعني معمّر شدن و دراز زيستن

و يكي غيبت از مردم ـ بـراي مدّتي ـ نهان گشـتن ، و مردم را به حال خويش گذاشتن . روشن است كه آنچه در حديث بدان اشاره شده است دربارةپيامبراني است كه عمرهايي دراز داشته اند و در ردة معمّرين بوده اند ، مانند حضرت نوح (ع) و حضرت سليمان (ع) .

ملاحسن فيض كاشاني نيز ، در اين باره چنين مي گويـد :« ازغيبت قائم (ع) و طول كشيدن آن ، و طولاني شدن عمرآن امام تعجّب نكنيد !كه اين مطلب راپيامبر (ص) و اوصياي او خبر داده اند . همچنين بسياري از پيامبـران ، غيبـت هاي طولاني ، و عمرهاي دراز داشته اند .... شيـخ صدوق پاره اي از آنان را در كتاب " اكمال الدين و اتمام النعمه " آورده است. به آنجا مراجعه كنيد ! » (علم اليقين في اصول الدين ج2 ص797 ) آري ! غيبت سنت الهي است . و در زندگاني پيامبران وجود داشته است و در تواريخ آنان ضبط است و اين امر خود نوعي حكمـت و آزمايـش اسـت . اتفـاق مي افتـد كه گاه معلّمي ، براي مدّتي ازاطاق كلاس درس بيرون رود تا وضع شاگردان و چگونـگي رفتـار و انضباط و كوشايي آنان را در غياب خود بنگرد و جوهر آنـان را بهتر معلوم دارد و ارزش هاي آنـان را بيشتر محك زنـد ، تا كسـاني را كه با وجـود غيبـت معلم از كلاس ماننــد حالـت حضـور معـلّم ، مي كوشنــد و درس مي خوانند و انضباط را رعايت مي كنند ، به مرتبه اي كه در

خور آنان است برساند .

} برگرفته از كتاب خورشيد مغرب ، نوشتة محمد حكيمي{

# «احاديثي راجع به وضع اجتماع پيش از ظهور»

شناختن علامات ظهور يكي از وظايف مهم منتظران مي‌باشد. اما اين بدان معنا نيست كه فرد منتظر در انجام فرايض و به خصوص فريضه امر به معروف و نهي از منكر كوتاهي كرده و اين ذهنيت در او ايجاد شود كه با ترك امر به معروف و نهي از منكر شرايط جامعه به نحوي شود كه آمدة پذيرش دولت مهدوي شود. زيرا اين نوع انتظار، انتظاري منفي و مخّرب و به شدت مورد نكوهش است.

امام زمان(ع) فرمودند:« نشانة ظهور من، بسياري هرج ومرج و آشوب‌هاست.» (بحار الانوار،ج51،ص320)

رسول خدا(ص) فرمود:«پس از من فتنه‌هايي رخ خواهد داد. يكي از آن فتنه‌ها، فتنة تنگدستي و بيچارگي و خانه‌نشيني است. در آن فتنه، جنگ و گريز‌ها به وقوع مي‌پوندد و بعد از آن فتنه‌اي سخت‌تر و پس از آن فتنه‌اي ديگر خواهد بود. هر چه گفته مي‌شود ديگر فتنه

به‌پايان‌رسيد،گسترش‌مي‌يابد، تا‌جائيكه‌هيچ‌خانه‌اي‌ نمي‌ماندمگرآن‌كه‌فتنه‌اي‌آن را در بر مي‌گيرد و هيچ مسلماني نيست مگرآنكه فتنه‌ها او را دلزده ‌و دلتنگ‌ ساخته ‌باشد. تا اينكه ‌مردي‌ از ‌خاندان‌ من‌ قيام ‌كند.»

(در جستجوي نور،ص33)

حضرت علي(ع) فرمود:«وقتي كه خلايق نماز را مي‌ميرانند يعني آن را با توجه و خضوع و خشوع به جا نياورند و امانت را ضايع كردند و دروغ را حلال شمردند... قطع رحم كردند و تابع خواهش‌هاي نفس شدند و خونريزي را سهل شمردند... قرآن‌ها زينت داده شدند و مسجد‌ها منقّش گرديدند و مناره را بلند ساختند... زنان از حرص و طمع با شوهران خود تجارت شريك شدند... آلات لهو لعب مانند عود و طنبور نگاه داشتند و زنان به زينها سوار شدند... مسائل دينيه براي غرض‌فاسديادگرفته‌شدوعمل‌دنيارابرآخرت‌مقدم داشتند... پس‌دراين‌وقت‌تعجيل‌بكنيد...» (بحار الانوار،ج13،ص481،482)

رسول خدا(ص) فرمودند:«هنگامي كه آخر الزمان شود- و يأس و نا اميدي رخ دهد- و فتنه‌ها ظاهر شود، مردي خواهد بود كه مهدي ناميده مي‌شود و بخشش و عطايايش ريزان و سرشار است.» (در جستجوي‌نور،ص31)

پيامبر اكرم(ص) فرمود:«فتنه‌اي سخت، تيره و تاريك فرامي‌رسد فتنه‌ها پشت سر هم- بر مردم- وارد مي‌شوند. تا اينكه مردي از اهلبيت من قيام مي‌كند كه مهدي خوانده مي‌شود، اگر او را دريافتي پيروش باش تا از هدايت يافتگان‌باشي.» (در جستجوي‌نور،صافي گلپايگاني،ص28)

پيامبر اكرم(ص) به فاطمه(س) فرمود:« سوگند به آنكه مرا به حقيقت مبعوث داشته، كه مهدي اين امت از نسل اين دو نفر است- اشاره به حسن(ع) و حسين(ع)-زمانيكه دنيا آشفته گردد و فتنه‌ها ظاهر شوند و راه‌ها كوتاه شوند و برخي مردم به برخي ديگر هجوم آورند، نه بزرگسـالان به خردسالان رحم كنند و نه خردسالان

به بزرگسالان احترام نهند. در آن زماني خداوند از نسل اين دو كسي را بر مي‌انگيزد كه حصارهاي گمراهـي را مي‌گشايد و دل‌ها غفلت زده را بيدار مي‌كند در آخر الزمان دين را بر پا مي‌دارد چناچه من در ابتدا آن را بپاداشتم و دنيا را از عدالت پر مي‌سازد چناچه از ستم پر شده باشد.» (در جستجوي‌نور، صافي گلپايگاني،ص 27،28)

در احاديث ديگري آمده است كه پيش از ظهور قائم(ع) و به ويژه نزديك ظهور او، حتي در جوامع اسلامي فسق و فجور و انواع گناهان و زشتيها رواج كامل خواهد يافت. از آن جمله به اين فجايع اشاره فرموده‌اند:« شراب خواري و خريد و فروش مسكرات آشكار انجام مي‌شود، ربا خواري رواج مي‌يابد، زنا و اعمال شنيع ديگر متدوال و شايع و آشكارا مي‌گردد، قساوت ، تقلّب ، نفاق ، رشوه‌خواري ، ريا‌كاري، بدعت و غيبت و سخن چنيي بسيار است، بي‌عفتي و بي‌حيايي و ظلم و ستم‌عمومي‌خواهد‌بود،‌زنان‌بي‌حجاب‌وبا لباس‌هاي

زننده در اجتماع حاضر مي‌شوند، مردان به زنان و زنان به مردان در لباس و آرايش شبيه مي‌شوند، امربه‌معروف و نهي از منكر ترك مي‌گردد، مؤمنان خوار و بي‌مقدار و محزون بوده و توانايي جلوگيري از گناهان و زشتيها را نخواهد داشت. كفر و الحاد و بي‌ديني رواج يافته و به اسلام و قرآن عمل نمي‌شود، فرزندان نسبت به پدران و مادران آزار و بي‌حرمتي روا داشته و كوچكتر احترام بزرگتر را رعايت نمي‌كند و بزرگتر به كوچكتر ترحم نمي‌نمايد وصلة رحم مراعات نمي‌شود. خمس و زكات پرداخت نمي‌شود و يا به مصرف صحيح خود نمي‌رسد، بيگانگان و اهل باطل بر مسلمان چيره مي‌شوند و مسلمانان با خود با ختگي در همة امور و در لباس و گفتار و كردار از آنان تقليد مي‌كنند و حدود الهي تعطيل مي‌شوند...» (ااثبات الهداه،ج7،/بحار،ج52/منتهي الآمال/روضةكافي/كافيه الموحدين،ج2/و بسياري كتب ديگر)

امادرپايان‌بايدبازتأكيدكردكه:«دردوران‌غيبت‌امام عصر (عج)كوچكترين تكليفي ازشخص‌مكلّف‌ساقط نيست.»

# «مهدي موعود(ع) در اديان ديگر جهان»(1)

امام مهدي(عج) در زبور داود(ع):

در زيور داود(ع) كه تحت عنوان مزامير در لابلاي «عهد عتيق» آمده، نويدهايي درباره ظهور مهدي موعود داده شده است. جالب توجه اينكه يكي از آيات متعددي كه در قرآن مجيد دربارة امام زمان(ع) هست و در روايت‌هاي متواتر از طريق شيعه و سني به ظهور آن حضرت تفسير شده است، آية زير است:

«وَ لَقَد كَتَبنا فٍي الزَّبور مٍن بعد الذكر الارض يرثها عبادي الصالحون» (سوره انبياء ، آية 105)

ترجمه: علاوه بر ذكر (تورات، در زبور نوشايم بندگان صالح من وارث زمين خواهند شد.

جاليتر اينكه ، همين عبارت در زبور فعلي از دستخوش تحريف مصون مانده و به همين روايت موجود است.

در جاي ديگر پس از آنكه دستور مي دهد كه: «روز به روز نجحات او را اعلام نمائيد. در ميان امتها جلال اوذكر كنيد ...»

در آخر فصل مي‌گويد:«... قومها را به انصاف داوري خواهد نود. آسمان شادي كند و زمين مسرور گردد. دريا و پري آن غرش نمايند . صحرا و هر چه درآنست به وجد مي‌آيد، ان‌گاه تمام درختان جنگل ترنّم خواهند نمود به حضور خداوند، زيرا كه مي‌آيد، زيرا كه داوري جهان مي‌آيد. ربع مسكون را به انصاف داوري خواهد كرد و قومها را به امانت خود.» ( مزمور 96، بندهاي 10-13)

مهدي موعود در عهد عتيق:

نومنهايي از اين عبارات در عهد عتيق عبارتند از :

«و نهالي از تنه يسي بيرون آمده، شاخه‌اي از ريشه‌هايش خواهند شكفت و روح خداوند برا او قرار خواهد گرفت ... مسكينان را به عدالت ، داوري خواهد كرد و به جهت مظلومان زمين، به راستي حكم خواهد كرد... گرگ با بره سكونت خواهد كرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابيد و گساله و شير و پرواري با هم ، طفل كوچه آنها را خواند راند... و در تمامي كوه مقدس من، ضرر و فسادي نخواهد كرد، زيرا كه جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.» (كتاب اشعيا نبي فصل 11، بندهاي 1-10)

«... اگر چه تأخير نمايد برايش منتظر باش ، زيرا كه البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود... بلكه جميع امتها را نزد خود جمع مي‌كند و تمامي قومها را براي خويشتن فراهم مي‌آورد.»( كتاب حبقوق نبي ، فصل 2، بندهاي 3-5)

مهدي موعود در عهد جديد (انجيل):

« و انگاه پسر انسان را خواهند ديد كه بر ابري سوار شده با قوت و جلال عظيم مي‌آيد... آسمان و زمين زايل مي‌شود، ليكن سخنان من زايل نخواهد شد. پس خود را حفظ كبيد، مبادا دلهاي شما از پر خوري و مستي و انديشه‌هاي دنيوي سنگين گردد و آنروز ناگهان بر شما مي‌آيد ... پس در همه وقت دعا كرده بيدار باشيد تا شايستة آن باشيد كه از جميع اين چيزها كه به وقوع خواهد پيوست، نجات يابيد،و در حضور پسر انسان بايستيد.» (انجيل لوقا، باب 21-بندهاي 27-33-36)

كلمة «سر انسان» مطابق نوشتة«مسترهاكس آمريكائي » در كتاب خود قاموس مقدس، 80 بار در عهد جديد تكرار شده كه فقط 30 مورد آن قابل تطبيق با حضرت عيسي(ع) مي‌باشد و 50 مورد ديگرش جز با مهدي (عج) تطبيق نمي‌كند.

مهدي موعود در مللل جهان:

ايرانيان باستان معتقد بودند كه «گرزاسپه» قهرمان تاريخي آنان زنده است و در كابل خوابيده و صد هزار فرشته او را پاسباني مي‌كنند تا روزي كه بيدار شود و قيام نمايد.

گروهي ديگر از ايرانيان مي‌پنداشتند كه «كيخسور» پس از تنظيم كشور و استوار ساختن پالودة فرمانروائي، ديهيم شاهنشاهي به فرزند خو داده و به كوهستان رفت و در آنجا آرميده تا روزي ظاهر شود و اهريمنان را شكست دهد.

نژاد ژرمن معتقد بودند كه يك نفر فاتح از طوايف انان قايم نمايد وژرمن را بر جهان حكومت دهد.

اهلي «صبرستان» انتظار ظهور« ماركئ كراليويچ» را داشتند و تمام فبايل اسلاو را متحد سازد و بر دنيا مسلط گرداند.

«برهمائيان» از دير زماني بر اين عقيده‌اند كه در آخر الزمان «ويشنو» ظهور نمايد و بر اسب سفيدي سوار شود و شمشير آتشين بر دست گرفته و مخالفين را خواهد كشت و تمام دنيا برهمن گردد و به اين سعادت برسد.

اگر چه برخي از اين موارد با مهديموعود تطبيق ندارد اما از يك حقيقت مسلم حكايت مي‌كند و ان اينكه نويد مصلح جهاني به گوش انها در اقطار و اكناف جهان رسيده است و عقيده به ظهور يك رهبر مقتدر د رآخر الزمان در اعماقدلشان جاي گرفته و چون از فروغ حق بيش ار اين بر خوردار نشده‌اند در تطبيق ان دچار اشتباه شده‌‌اند.

عليرغم كوته نظراني كه خيال مي‌كنند همة انبياء از مشرق زمين برخاسته‌اند ، ما معتقديم كه درميان تمام ملل و اوقام پيامبراني برخاسته و مردم را به وسي دين حقيقي و صراط مستقيم فراخوانده‌اند چنانكه منطق و وحي به آن تصريح مي‌كند:

«انما انت منذر ولكل قوم هاد.» (سورة رعد، آيه 7)

يعني: تو ( اي محمد ) هشدار دهنده هستي وبراي هر ملت جمعيتي رهبر و راهنما هستي.

{برگرفته از كتاب او خواهد آمد،نوشته داود الهامي و علي اكبر مهدي پور}

# «آشنايي بيشتر با امام عصر»(1)

كَرُم آن حضرت:

دوست داشتن افراد كريم در نهاد انسانها نهفته و با فطرت آنان آميخته است. فرد كريم كسي است كه پيش از اينكه از او درخواستي شود، مي‌بخشد. در احوالات امام حسن مجتبي(ع) آمده است: يكي از اعراب خدمت آن حضرت رسيد ، هنوز هيچ سخني بر زبان نياورده بود كه امام حسن(ع) فرمود:«هر چه در خزانه هست به او بدهيد. بيست هزار درهم در آن بود كه به مرد دادند. امام‌حسن(ع)خطاب‌به‌آن‌شخص فرمود:

نَحًن اُناسٌ نَوالَنا خَضَلٌ يُرًنَع فيه اِلرِجالُ وَ الاَمُلُ

ما مردماني هستيم كه بخششمان با خرمي و طراوت است كه مردان و آرزوهاي افراد از آن بر خوردار است. اين صفت ، از صفات بارز قائم(ع) مي‌باشد.

(مكيال المكارم،ج1،ص258)

محبت متقابل آن حضرت و مؤمنان:

در احاديث و رواياتي محبت امام نسبت به مؤمنين و مؤمنات اينگونه نقل شده است:

-امام نسبت به مؤمنين به منزلة والد مهربان و پدري شفيق، بلكه براي آنها از پدر هم مهربان‌تر است.

-شيعيان به منزلة برگ‌هايي براي درخت امامت‌اند.

-امام به خاطر حزن شيعيان محزون و در مصائب آنها متأثر و در بيماري آنها متألّم مي‌گردد.

-امام(ع) در تشييع جنازه مؤمن شركت مي‌كنند.

-امام فريادرس دوستانشان هستند.

-احاديثي هم هست كه حاكي بر،گريستن امام(ع) هنگام گرفتاري دوستانشان است و البته محبت مؤمن نسبت به آن بزرگوار نيز از واجباتي است كه حقيقت اسلام‌و‌قبولي‌اعمال‌با‌آن‌حاصل‌مي‌شود(مكيال المكارم،ج1،ص270)

معجزات آن حضرت:

امام صادق(ع) فرمود:«هيچ معجزه‌اي از معجزات پيغمبران و اوصيا نيست مگر اينكه خداوندتبارك‌و تعالي مثل آن را بر دست قائم ما آشكار مي‌كند، براي‌اتمام حجت بر دشمنان» (اثبات الهداه،ج7،ص357)

شرافت آن حضرت:

از امام صادق(ع) سئوال شد: آيا قائم(ع) متولد شده است؟ فرمود: نه ولي اگر او را درك مي‌كردم در طول زندگي خدمتش مي‌نمودم. (بحار الانوار،ج51،ص148)

در اين فرمايش بايد دقت و تأمل كرد تا مبادا به جاي خدمت به آن حضرت در طول زندگي، با كردار ناپسند و گرفتار شمشير مانند، آن حضرت را آزار داد.

سخاوت آن حضرت:

امام باقر(ع) فرمود:«گويا مي‌بينيم كه اين دين شما در خون خود دست و پا مي‌زند و هيچ كس نتواند به شما برگرداند مگر مردي از اهل بيت كه هر سال دوبار بر شما بخشش خواهد كرد و هر ماه دو نوع روزي به شما خواهد داد، در زمان او به شما حكمت عطا خواهد شد تا به حدي كه زن در خانه خودش نشسته باشد و از روي كتاب خداوسنت‌ پيغمبر(ص)حكم‌نمايد.»(غيبت نعماني،ص125)

راحتي خلايق هنگام ظهور و در دولت آنجناب:

در بحار از ابن عباس دربارة آية شريفة:«لٍيظهِرُهُ عُلَي الدِين كُلٍه وَ لَوًكَرِهَ المشرِكُون» (تا دين اسلام را بر همه دينها برتري بخشد هر چند كه مشركان ناخشنود باشند.)(سوره توبه،آية33)

آمده كه گفت:«اين معني تحقق نمي‌يابد تا موقعيكه نه يهودي باقي بماند و نه نَصراني و نه صاحب كيشي مگر اينكه داخل اسلام شود تا در امان بشوند از يگديگر.

(تا اينكه گفته:) و اين وضع هنگام قيام قائم(ع) خواهد بود.» (بحار الانوار،ج51،ص61)

پايان علوم به او:

امير المومنين(ع) فرمود:« اي كميل هيچ علمي نيست مگر اينكه من افتتاح كننده آنم و هيچ چيزي نيست مگر اينكه قائم(ع) آن را به پايان مي‌رساند.»

(حديث كميل، دارالسلام)

حكم آن حضرت به حق:

امام صادق(ع) فرمود:«هرگاه قائم(ع) قيام كند، هيچ يك از بندگان خدا به پيشگاهش بر نخيزد مگر اينكه او را مي‌شناسد كه آيا صالح است يا ناصالح.و در او آيتي براي نشانداران و هوشمندان است. اين آيت ، برقرار و راهي‌براي‌بصيرت‌وعبرت‌مي‌باشد.» (كمال الدين،ج2،ص671)

غني و بي‌نيازي مؤمنين با ظهور آن حضرت:

از امام صادق(ع) نقل شده است كه:«... و يك مرد از شما در جستجوي كسي خواهد شد كه از مال خودش به او احسان كند و از زكات مالش به او بدهد، احدي را نخواهد يافت كه از او بپذيرد. مردم به آنچه خداوند از راه تفضل به آنان روزي فرموده بي‌نياز مي‌شوند.»

(مكيال المكارم،ج1،ص167)

# «برخي از ويژگي‌هاي ظاهري حضرت مهدي(ع)»

1)شبيه پيامبر(ص):

حضرت مهدي(ع) سيمايي چون سيماي پيامبر(ص) دارد و در رفتار و گفتار و سيرتش نيز شبيه و مانند اوست.

(بحار الانوار، ج51، ص39)

امير المؤمنين(ع) روزي به امام حسين(ع) نظر افكنده و به اصحاب خود فرمودند:«در آينده خداوند از نسل او مردي را پديد مي‌آورد كه همنام پيامبر شماست و در ويژگي‌هاي ظاهري و سجاياي اخلاقي به او شباهت دارد.»

2)زيبا و خوش صورت:

زيبايي اگر به اعتدال و تناسب اعضاي چهره، يا به گيرايي نگاه و نورانيت صورت و جذابيت آن باشد، همگي در وجود نازنين يادگار پيامبر(ص) به وديعت نهاده شده است. (بحار الانوار،ج51،ص36)

3) گشاده پيشاني:

پيشاني بلند و گشاده‌اش بر هيبت و وقار چهره زيبايش مي‌افزايد ، چنان نوري بر چهره و جبين او پيداست كه سياهي موهاي سر و محاسن شريفش را تحت الشعاع قرار مي‌دهد. (بحار الانوار،ج51،ص36)

4)ميانه قامت:

قامتي نه دراز و بي‌اندازه و نه كوتاه و بر زمين چسبيده دارد،بلكه‌ اندامش‌معتدل‌و‌ميانه‌است. (منتهي الآمل، ج2،ص481)

5)داراي دو خال مخصوص:

خالي بر چهره دارد كه بر گونه راستش همچون دانة مشكي ميان‌سفيدي صورتش مي‌درخشد و خالي ديگر بين دو كتفش متمايل به جانب چپ بدن دارد.

(بحار لانوار،ج51،ص41)

درباره شمايل ظاهري امام زمان(ع) پاره‌اي صفات ديگر از مجموعة روايات وارده در اين باب مي توان بدست آورد: آن حضرت رنگي سپيد، كه آميختگي مختصري با رنگ سرخ، دارند

از بيداري شب‌ها، چهر‌ه‌اش به زردي مي‌گرايد.

چشمانش سياه و ابروانش بهم پيوسته است و در وسط بيني او بر آمدگي كمي پيداست.

ميان دندانهايش گشاده و گوشت صورتش كم است.

ميان دو كتفش عريض است و شكم و ساق او به امير المؤمنين(ع) شباهت دارد.

در وصف او آمده:«مهدي(ع) طاووس اهل بهشت است، چهر‌ه‌اش مانند ماه درخشنده است و گويا جامه‌هايي از نور بر تن دارد.» (منتهي‌الآمال،ج2،ص481)

در كتاب خورشيد مغرب در وصف سيماي امام عصر آمده است:

چهره‌اش گندمگون، ابروانش هلالي و كشيده، چشمانش سياه و درشت و جذاب، شانه‌هايش پهن ، دندان‌هايش براق و گشاده ، بينيش‌كشيده و زيبا ، پيشانيش‌بلندوتابنده.استخوان بنديش‌استوارو صخره‌سان دستان و انگشتانش درشت ، گونه‌هايش كم گوشت و اندكي متمايل به زردي – كه از بيداري شب عارض شده – بر گونه راستش خالي مِشكي ، عضلاتش پيچيده و محكم ، موي سرش بر لالة گوش ريخته ، اندامش متناسب و زيبا ، هيئتش خوش منظر و رباينده ، رخساره‌اش غرق در هاله‌اي از شرم بزرگوارانه و شكوهمند ، قيافه‌اش از حشمت و شكوه رهبري سرشار . نگاهش دگرگون كننده ، خروشش درياسان و فريادش همه گير.

( خورشيد مغرب ،ص 28)

# « مهدي(ع)ساحل سبز اميد »

آرمان تشكيل حكومتي عدل پرور و فضيلت گستر و تحقق جامعة حق محور، انديشمندان را بر آن داشته كه به طراحي مدل آن شهر طلايي بپردازند و جامعه بشري را بدان بشارت دهند:

افلاطون نقشة« اتوپيا» را رسم كرد.

فارابي تابلوي « ميدنه فاضله » را ترسيم كرد.

تاس مور « بهشت زميني » را نويد داد.

كارل ماركس « جامعه بي طبقه » را وعده‌گاه آخرين منزل تاريخ دانست.

آري! انسانها كه فطرت تكامل‌جو و كمال طلبشان، آنان را از وضع نا مطلوب كنونيِ حاكم بر جوامع بشري گريزان شاخته، به نيك شهري مي‌انديشند كه بستر مناسبي را براي شكوفايي گرايش‌هاي‌ عميق فطري آدمي و رشد فضايل ناب انساني فراهم سازد. امّا نكتة قابل توجه و مسئله اساسي اين است كه هيچ يك از ايشان، راهكارهاي عملي و تضمين شده جهت بيرون رفتن از حالت نابسامان مستقر را ارايه نكرده‌اند. دغدغة بنيادين در هر طرح پيشنهادي و دگرگوني همه جانبه جوامع كنوني، « بحران ضمانت اجرايي » است. ريشة بحران اينجاست كه لازمة ايجاد حكومت و جامعة حق محور، بر چيدن بساط ظلم‌هاي رسمي و غير رسمي و حق كشي‌هاي قانوني و غير قانوني و بر اندازي همة حاكميت‌هاي ستمگرانه و استثمار و استكبار است. اين، يعني درگير شدن با تمامي موجوديت و منافع ظالمان و قدرت پرستان و حق ستيزان، اين يعني نبردي تمام عيار با جبهة استكبار جهاني و ستيز با قدرت اهريمني نظام سلطة بين المللي. همگان مي‌دانيم كه در درون مجموعة عوامل طبيعي جبهة حق، عامل اجرايي ضمانت كنندة موفقيت كامل و برتري نهايي بر جبهة باطل وجود ندارد و با خيال پردازي هم نمي‌توان لشگر پر عّده و عُدّة باطل را درهم كوبيد. پس با كدام نيرو مي‌توان معادلة توازن قواي كنوني را- كه به نفع جبهه باطل است- بر هم زد؟ اينجاست كه مكتب اسلام ]اين حلقة نهايي وحي آسماني[ كه دستور العمل جامعِ « حيات طيّبه » بوده و بر اساس حكمت الهي همة لوازم حيات طيّبه آدمي را پيش بيني و فراهم كرده است، موهبت «اميد» ]اميدي پر بركت و سازنده، پر حرارت و گدازنده، ايمان‌زا و جهت بخش، آرمان ساز و اعتماد آفرين، شور آور و مجاهد پرور[ را در سه مرحله به امّت رسول خدا(ص) ارزاني داشته است:

الف) لزوم اميد داشتن به مدد و رحمت الهي؛

( وَ لاتَيْأسُوا مِن رَوحِ الله )

ب) وعدة وارثت و امامت صالحان و مستضعفان؛

( وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَي الذّينَ اسْتُضْعِفُوا في الارضِ وَ نَجْعَلَهُم اَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُم الوارثينَ )

« و خواستيم بر مستضعفان منّت نهيم و آنان راپيشوايان مردم گردانيم و ايشان را وارث زمين كنيم.»

ج) تأمين ضمانت اجرائي وعدة فوق با ظهور منجي‌آخر الزّمان، مهدي موعود (روحي و ارواحُ العالمين لَهُ الفَداه)

و تشكيل آن دولت كريمه به دست آن حضرت؛

( بَقْيَّهُ اللهِ خيرٌ لَكُم اِنْ كُنْتُم مُؤْمِنينَ )

« اگر باور داشته باشيد، ذخيرة الهي براي شما ] از هر كس و هر چيز ديگر[ بهتر است.»

آري! امام مهدي « ارواحُنا لِتُراب مَقْدَمهُ الفَداء »

عامل اجرائي وعدة الهي است، او كه پيروزي‌اش را خود خداوند سبحان ضمانت كرده است. در زيارت آل ياسين خطاب به ساحت مقدس ولي الله الاعظم(عج) عرضه مي‌داريم: « اَلسَّلامُ عَليكَ يا خَليفهَ اللهِ و ناصرَ حَقِّه ... اَلسَّلامُ عَليكَ يا وَعْدَ اللهِ الّذي ضَمِنَه ... » سلام بر تو اي وعدة تضمين شدة الهي !

مهدي (ع) براي طوفان زدگان كشتي شكستگان و غريقان گرداب‌هاي فتنه در دوران مدرن، ساحل امن اميد است. و اين اميد، بزرگترين هديه‌اي است كه‌جامعة بشري در اين دوران دريافت داشته است و هديه كنندة آن حقي بس عظيم بر گردن آدميان دارد. در ادبيات ديني مكتب اسلام، گلواژة « انتظار » زيباترين و كامل ترين جلوة بندگي است تا آنجا كه رسول خدا(ص) فرمودند: « اَفْضَلُ العبادَهِ انتظارُ الفَرَج »

{ بر گرفته از كتاب نشانه‌هاي يار و چكامة انتظار، نوشتة مهدي عليزاده، با تلخيص }

# ِ « انتظار ويرانگر چيست ؟ » 28

برداشت قشري بعضي از مردم از مهدويت وقيام وانقلاب مهدي موعود(ع)اين است كه صرفاًماهيّت انفجاري دارد. فقط وفقط ازگسترش واشاعه ورواج ظلمها و تبعيض ها واختناقهاوحق كشي هاوتباهيهاناشي ميشود،نوعي سامان يافتن است كه معلول پريشان شدن است.آنگاه كه صلاح به نقطه صفر برسد، حق وحقيقت هيچ طرفـداري نداشـته باشد،باطل يكّه تاز ميدان گردد،جـز نيروي باطل نيرويـي حكومت نكند،فرد صالحي درجهان يافـــت نشــود،ايــن انفجار رخ مي دهد ودست غيب براي نجات حقيقت ـ نه اهـل حقيقت ،زيرا حقيقت طرفـداري ندارد ــ از آسـتين غيب بيرون مي آيـد.عليـهذا هر اصلاحي محكـوم اسـت،

زيراهر اصلاح يك نقطه روشن است؛وتادرصحنه اجتماع نقطه روشني هست دست غيب ظاهر نمي شود، بـرعكس هرگناه وهرفسادي وهر ظلم وهرتبعـيض وهـرحق كشي، هرپليـدي اي به حكم اينكـه مقـدّمه اصلاح كلـّي اسـت وانفجـار راقريب الـوقوع مي كندرواسـت،زيرا «‌ْ‌ْاَلْغـاياتُ تَبَرَّرُ المَبادي» ـ (هدف هاوسيله هاي نامشـروع رامشـروع مي كنند) پس بهترين كمك به تسريع در ظهور وبهترين شكل انتظار،ترويج واشاعه فساد است.اينجاست كه گناه،

هم فال است وهم تماشا،هم لذّت وهم كامجويي است و هم كمك به انقلاب مقدّس نهايي.اينجاست كه اين شعر مصداق واقعي خود را مي يابد:

در دل دوست به هر حيله رهي بايد كرد

طاعت از دست نيايـد گنـهي بايد كرد

اين گـروه ( كه معتـقد به چنين انتظاري هسـتند) طبـعاً بـه مصلحان ومجاهدان وآمران به معروف وناهيان ازمنكر با نوعي بغض وعداوت مينگرند،زيراآنان راازتأخيراندازا ن ظـهور وقيام مـهدي موعود(ع) مي شمارند.برعكس،اگر خود هم اهل گناه نباشند،دراعماق ضمير وانديشة بانوعي رضايت به گناهكاران و عـامـلان فسـاد مي نگرنـد، زيرا اينـان مـقدّمات ظـهـوررا فـراهـم مي نمـايند.ايـن نوع از برداشـت از آن جهت كـه با اصـلاحـات مـخالف اسـت وفسادها و تباهي ها اربه عنوان مقدّمة يك انفجار مقدّس، موجّه ومطلوب مي شمارند بايد « شبه ديالتيكي » خوانده شود ،با اين تفاوت كـه در تفكّر ديالتيكي بااصلاحات از

آن جهت مخالف مي شودوتشديد نابسامانيها ازآن جهت اجازه داده مي شودكـه شـكاف وسيـع تر شـود و مبـارزه پيگيرتر وداغـتر گردد، ولـي اين تفكـّر عـاميانه فـاقد اين مزيّت اسـت؛ فقط به فساد و تباهي فتوا مي دهد كه خود به خـود منـجر به نتيجة مطـلوب بشوداين نوع برداشت از ظهور و قيـام مهدي موعود (ع) و اين نوع انتظار فرج كه منجر به نوعي تعطيلي درحدود ومقررّات اسلام مي شود و نوعي «اباحيگـري » بايـد شـمرده شـود به هيـچ وجه با موازين اسلامي و قرآني وفق نمي دهد.

} بر گرفته از كتاب قيام و انقلاب مهدي(ع) ، شهيد مطهّري{

آنها كه همـه چيـز را به حضرت صاحب (ع) مي سپارند وكمتـرين رنجي را متـحمّل نمي شونـد وهيچ گاه براي دين خـود يك سيلي هم نخورده اند ، منـتظراني هسـتند كه شايد از دشمنان بسي خطرناكتر باشند و ...

... يكي از وظايف جامعه منتظران فراهم نمودن مـقدّمات ظهور در جوامع انساني اسـت. مسلّمـاً كسي كه به انـتظار خورشيـد عالـمتاب به سر مي برد، شب را در تاريكي به سر نمي كند ، بلكه چراغي مي افـروزد تـا شبِ تاريكِ هجران را به صبح روشن وصال پيوند بزند.

لذا انسان منتظر هيچگاه از پـاي نمي نشيند، نه تنها انتظار، اورا زمين گـير نمي كنـد بلكه وي رابه تـلاشِ بـيشـتر وا مي دارد ودر همين حـال با تضرّع و زاري از عمق دل و جان رفع موانع ظهور را از حضرت حق طـلب مي كند و با زبان حال و قال امام غايب را مي خوانـدواين وظيفه اي براي هر كسي است كه دلش به عشق آقـا امـام زمـان(ع) و براي برقراري حكومت عدل جهاني مي طپد . ( نقل از كتاب مهر جهانگير ، نوشته محمد نيكنام )

# « لزوم اصلاح طلبي و ظلم ستيزي در منتظران » 29

فرد منتظر بايد به سهم خود، در راه اصلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدي بكوشد؛ آن كه منتظر مصلح جهاني است، خود نيز بايد صالح و مُصلح باشد. در شريعت مقدّس اسلام تأكيدهاي فراواني مبني بر لزوم مبارزه با هر گونه فساد اخلاقي، سياسي و اجتماعي وارد شده است. شارع مقدس اين حساسيت حكيمانه را در قالب تقنين به صورت « اصل امر به معروف و نهي از منكر» ابراز كرده است. امر به معروف و نهي از منكر از ديدگاه فقه اسلامي وظيفه‌اي همگاني و شرعي است نتيجة مستقيم انجام اين فريضه، « اصلاح » و مجري آن « مُصلح » ناميده مي‌شود.

براي درك اهميّت اين اصل در اسلام، به ذكر يك آيه از قرآن كريم و دو حديث از اهل بيت عصمت و طهارت بسنده مي‌كنيم. خداي سبحان مي‌فرمايد: « شما بهترين امّتي هستيد كه براي انسان‌‌ها پديدارشده است، ]براي اين كه[ امر به معروف مي‌كنيد و نهي از منكر، و به خدا ايمان داريد ... » ( آل عمران، آيه 110 )

همچنين رسول خدا فرمودند: « اي مردم ! خداوند مي‌فرمايد: امر به معروف و نهي از منكر كنيد پيش از آن كه مرا بخوانيد، و به شما پاسخ ندهم و از من در خواست كنيد، شما را محروم سازم و از من ياري طلبيد، شما را ياري نكنم.» ( الرغيب‌والترهيب/‌منذري‌شامي/ج3/ص 233)

امام باقر(ع) نيز فرموده‌اند: « بي ترديد امر به معروف و نهي از منكر، راه انبياء و طريقة صالحان است. امر به معروف و نهي از منكر، وظيفه‌اي سترگ و خطير است كه ساير واجبات ديني به واسطة آن انجام مي‌پذيرد و راه‌ها به وسيلة آن امنيت مي‌يابد و در آمد‌ها به واسطة آن حلال و مشروع مي‌گردند و مظالم دفع مي‌گردد و زمين آباد مي‌شود و از دشمنان انتقام گرفته مي‌شود و امور سامان مي‌يابد.» ( كافي/ ج5/ص56)

همچنين روايات فراواني بيانگر اين است كه چنانچه‌اين فريضه ترك شود، اشرار بر جامعه حاكم مي‌گردند و عذاب الهي نازل خواهد شد.

بايد دانست امر به معروف و نهي از منكر در عصر غيبت، دو ويژگي دارد:

الف) سطح فردي: در هر انقلابي، پس از پيروزي و تثبيت، نياز اساسي و نخستين، ضرورت وجود نيروي انساني مجّرب و قابل اعتماد است. از اين رو، تشكّل‌هاي سياسي، احزاب و ... به مسلئه « كادر سازي» اهميّت جدي مي‌دهند. (كارد در اينجا مجموعه افراد ورزيده و قابل اعتماد و وارد به كار مي‌باشند)

انقلاب عظيم مصلح‌ جهاني هم از اين قاعده مستثني نيست، يعني رأس مخروط رهبري انقلاب براي ادارة كشوري به گستردگي چند قاره و تثبيت پايه‌هاي تمدّن نوين خود، به حجم عظيمي از نيروي ورزيده قابل اعتماد انساني نياز دارد و جامعة منتظران در عصر غيبت و تا پيش از ظهور حضرت، بايد در درون خود، عمليات بنايدين كادر سازي را آغاز كند.

يكي از شاخص‌هاي اصلي كادر انقلابي حكومت‌ مهدوي، پارسايي و تهذيب نفس و آراستگي به مكارم اخلاق و ... است يقيناً در جامعه‌اي كه داعيان به خير و نيكي، باز داردندگان از شر و زشتي وجود نداشته باشند، نفوس مهذّب بستري مساعد براي رشد و تكثير پيدا نمي‌كنند؛ به ويژه اگر قرار نباشد كه شكوفايي استعدادهاي معنوي در قالب‌تنگِ استثناها محصور گردد. بنابراين، امر به معروف و نهي از منكر نسبت به تك تك افراد، پيش نيازي اساسي براي پرورش كادر فرماندهان و كارگزاران حكومت مصلح جهاني است. حكومتي كه به فرماندهان ارشد لشكري و مديران بر جستة كشوري بسياري در مرحله اول و فرماندهان و مديران انبوهي در درجه دوم نيازمند است.

ويژگي دوم امر به معروف و نهي از منكر در عصر غيبت ان شاء الله در شمارة بعدي توضيح خواهد داده شد.

# « امام شناسي و زيارت جامعه »

پيامبر اسلام حضرت محمد(ص) فرمودند:

« مَنْ ماتَ وَلَمْ يَعْرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ ميتَهً جاهِليَّهً.»

هر كس بميرد در حالي كه امام عصر خود را نشناخته باشد به مرگ جاهليت مرده است. (الغدير،ج1،ص359)

از اين روايت كه به تعبيرهاي مختلف و با سند مطمئن‌ در كتاب‌هاي حديث اهل سنت و شيعه ضبط شده است، ضرورت كاوش پيرامون امامت و شناخت امام به خوبي استفاده مي‌شود.

يكي از بهترين منابع شناخت امام، زيارتي است كه در مفاتيح الجنان صفحه 975 آمده است. زيارتي به نام جامعه، كه مشتمل به زيارت جامعة كبيره و صغيره مي‌شود. مفاهيم والا و پر معناي اين زيارت، بينش فرد مسلمان را افزايش داده و با ديدي جديد به مسألة امامت مي‌نگرد. سراسر اين زيارت حاوي مطالب و اسراري است كه هر كدام مي‌تواند سر چشمه بسياري از شناخت‌ها و حكمت‌ها باشد.

در مفاتيح صفحه 987 حكايتي نقل شده است كه در آن مشخص شده كه اين زيارت مورد توجه حضرت صاحب(ع) مي‌باشد. در اين حكايت خواندن نوافل، زيارت عاشورا و زيارت جامعه از نقاط مورد توجه و مؤكّد حضرت صاحب(ع) بيان شده است.

همچنين در شرح احوالات امام خميني(ره) آمده است كه:« امام پانزده سال در نجف به طور مرتب زيارت جامعة كبيره را مي‌خوانند، در تمام شبها، به استثناي شب‌هايي كه به كربلا مي‌رفتند يا به شدت بيمار بودند، به حدي كه نمي‌توانستند بيرون بيايند- هر شب، در يك ساعت خاص به حرم مطهر مولاي متقّيان مي‌آمدند و‌ زيارت‌ جامعه ‌مي‌خوانند...»

(سيره اخلاقي امام خميني(ره)،ص185)

آري! اين زيارت براي تمامي اقشار مناسب و لازم است. براي عارف و عامّي، متوسط و ضعيف و غني و هر كس كه طالب خير است سودمند است. امام خميني(ره) كه نظام شاهنشاهي 2500 را پايان مي‌دهد و مراتب انسانيّت را يكي پس از ديگري مي‌پيمايد، مگر مي‌توانست بدون بهره‌گيري از نور وجودي امام معصوم كاري از پيش ببرد!

آري! امام خميني(ره) يكي از شاگردان مكتب اهل بيت، اين گونه تحولي عظيم در افكار عمومي جهان پديد مي‌آورد.

تأمل و انديشيدن در معاني عظيم اين زيارت، ديدِ‌ مردم را وسعت بخشيده، ظرفيت دلها را افزايش داده و معرفتي مضاعف به فرد مسلمان مي‌دهد و اين همان چيزي است كه اصل و پاية مقدمات شهور امام عصر(عج) را پي ريزي مي‌كند.

« سلام بر شما اي خاندان نبوّت و موضع رسالت و محل نزول ملائك و هبوط انوار وحي الهي و معدن رحمت حق و گنج‌هاي‌علم‌و‌معرفت‌الهي‌و‌صاحبان‌منتهاي مقام حلم و اصول صفات كريمه و پيشواي امم و مالك نعمت‌هاي روحاني و اركان بزرگواري و نيكوكاري و عماد نيكويان عالم و بزرگ وقائد بندگان و ستونهاي محكم شهرهاي علم و درهاي ايمان و امينان اسرار خداي رحمان و فرزندان پيغمبر... چراغ‌هاي تاريكي‌هاي امّت و پرچم داران علم و تقوي و خردمندان بزرگ و صاحبان عقل كامل و پناه خلق و عالم و وارث پيغمبران حق و مثل اعلاي الهي و حجت‌هاي بالغة الهي بر تمام اهل دنيا و آخرت. سلام بر شما باد كه دل‌هايتان محل معرفت خداست و مسكن و بركت حق و معدن حكمت الهي و حافظان سر خدا... هر كه شما را مولاي خود شناخت، خدا را مولاي خود دانسته... حق با شما و در خاندان شما و مبدأش از شما و مرجعش به سوي شما است و اهل حق و حقيقت شمائيد... شما خلق را به خدا مي‌خوانيد و بر طريق او دلالت مي‌كنيد... خدا شما را آفريد و محيط به عرش خود گردانيد تا اين زمان كه به نعمت وجود شما بر ما منّت گذاشت... هر كس رو به سوي شما آورد نجات يافت و آنكه از اين درگاه دور شد به هلاكت رسيد... » (زيارت جامعه،مفاتيح الجنان)

امام خميني(ره) نيز با تمام وجود شيفته و دلباختة اهل بيت و مكتب بي‌نظير وحي بود و با ديدگاه ژرف خويش، آنان را در جايگاهي بس رفيع مي‌ديد و اعتقاد داشت كه:«... براي اهل بيت عصمت وطهارت ـ عليهم الصلوات و السلام ـ مقامات شامخة روحانيه‌اي است. در سير معنوي الي الله كه ادراك آن، علماً نيز از طاقت بشر خارج و فوق عقول ارباب عقول و شهود اصحاب عرفان است. چنانچه از احاديث شريفه ظاهر مي‌شود كه در مقام روحانيت با رسول اكرم(ص) شركت دارند و انوار مطهرة آنها ‌قبل‌ از ‌خلقت‌ عوالم ‌مخلوق،‌ اشتغال ‌به‌ تسبيح ‌و‌ تحميد ‌ذات‌ مقدس‌ داشتند»

(سيره‌اخلاق‌امام‌خميني(ره)/ص83)

آري ! حال مائيم و آخرين و ديعه الهي!

# « قيام زمينه سازان از مشرق »

در اين شماره به ذكر حديثي مهم مي‌پردازيم كه در آن نقش نيروهاي مردمي در ظهور، و اهميت بسيج عمومي به روشني دريافت مي‌گردد. چه بسا متدّينيني، و اهل علم و روحانيوني داشته باشيم كه- از سر سستي و سادگي و عدم تأمّل در مسائل اجتماعي و بشري و حكمتهاي موزون الهي- پندارند كه به هنگام ظهور، همه جاي جهان غرق در فساد و بي‌خبري است. حتي سرزمين‌هاي اسلامي و شهرهاي شيعي، و ديگر احدي كه رويي به حق و فضيلت داشته باشد در جهان به هم نمي‌رسد، و در چنين شرايطي ظهور بزرگ اتفاق مي‌افتد. اما بر اساس احاديث ديني، مطلب اينگونه نيست. درست است كه جهان عصر ظهور، جهان آكنده از ستم و بيداد است، ولي در گوشه و كنار جهان، به ويژه در آبادي‌هاي اسلامي و شيعي، مردمي هستند كه اگر چه در مقايسه‌ با كل‌جهان‌بشربسيار‌اندكند،‌ولي معتقد به حق و بصير در امر حقّند و چشم براه مهدي‌اند، و آماده پيوستن به او و كمك و ياري او به سر مي‌برند. با تأمّل در احاديث روشن مي‌شود كه اين مردم (منتظران)، تا حدي سازمان يافته‌اند و داراي تشكيلات و قدرت؛ و بدون اين نتواند بود. يعني حكمت تكليف، و سير ارادة الهي و سنّت‌هاي جاري خدايي، و قوانين اجتماعي نيز چنين اقتضاي دارد. در چند روايت- كه شيعه و سني نقل كرده‌اند- آمده است كه حتي پيش از ظهور مهدي(ع) مردمي قيام مي‌كنند و مقدمات حكومت مهدي(ع) را فراهم مي‌كنند.

حافظ ابوعبدالله گنجي شافعي، محدِّثِ معروفِ اهل سنّت، باب پنجم از كتاب خود دربارة حضرت مهدي(ع) را اختصاص به همين مطلب داده و در آنجا نقل كرده است: «‌مردمي از مشرق قيام مي‌كنند و زمينة حكومت مهدي را فراهم‌مي‌سازند.» ( البيان‌في‌اَخبارصاحِب‌الزمان/البرهان‌متقي‌هندي،ص147)

حافظ گنجي پس از نقل اين حديث مي‌گويد:

«اين حديث، حديثي است حُسن و صحيح، كه آن را راويان مؤثّق، و عالمان حجّت روايت كرده‌اند. و حافظ اين ماجة قزويني آن را در كتاب سُنَن خود آورده‌است.»

در كتاب‌ها و مدارك شيعه نيز، اين مضامين آمده است و از امام علي(ع) روايت شده است كه فرمود:

«شروع‌كار‌مهدي،از‌طرف‌مشرق‌است.» (بحارالانوار/ج52/ص252)

در احاديث، حضور عجم(ايرانيان) نيز، در دورة حكومت مهدي(ع) ياد گشته است، و اينها همه حاكي از حضور مردم است در صحنه‌هاي گوناگون آن حكومت و فراهم ساختن مقدمات آن، و دليل است بر لزوم آمادگي براي رسيدن آن ايّام و آن روزگار...

بنابراين، اشكالي كه برخي از متفكرين اجتماعي گذشته مطرح كرده‌اند، كه حكومت مهدي(ع)، چگونه بدون مقدّمه و ابتدا به ساكن تحقق مي‌پذيرد، پاسخ داده مي‌شود. اين گوينده در همة احاديث و مطالب مربوط به ظهور دقّت نكرده است. تحقق يافتنِ اين‌حكومت‌چندان هم بي‌مقدّمه و ابتدا به ساكن نيست. بلكه با مقدمه چيني و زمينه سازي قيامگران مشرق] زمين[ است، و حركت پرچم‌هاي خراسان و خراسانيان(ايرانيان)، پس ابتداي به محرك است: تودة مؤمنِ‌بصير‌متحركِ‌منتظر...

در اينجا مي‌توان تصور كرد كه حتي منتظران، خود پيش از ظهور كامل حق و عدل، از فشار ظلمي كه ديده‌اند، از بس شاهد هتكِ احكام و نواميس بوده‌اند، و تا اندازه‌اي- اگر چه نسبت به سطح جهان اندك‌اند- موفقيتهايي به دست مي‌آوردند و چه بسا حكومتي در گوشه‌اي از جهان تشكيل دهند. و همين موفقيت‌ها، زمينه‌هايي مي‌شود براي گردهم آمدن و به هم پيوستن صفوفي مؤمن و بصير و متحركِ منتظر. و همين صفوفند كه سرانجام به دورانِ دعوت مهدي مي‌رسند و به نداي او پاسخ مي‌گويند، و هستة اصلي مقاومت مومنان را، و وارثان زمين را ‌تشكيل ‌مي‌دهند. حديثي از امام محمد باقر(ع)، در برخي از كتاب‌هاي معتبر روايت شده است كه مي‌تواند منطبق با اين تلقّي باشد. حديث اين است. ابوخالد كابلي، از امام محمد باقر(ع) روايت كرده است كه فرمود:« گويي مي‌نگرم مردمي را كه از مشرق(خراسان،ايران) در طلب حق قيام مي‌كنند، و به آنها پاسخي داده نمي‌شود. پس از مدتي باز قيام مي‌كنند، و به آنان پاسخي داده نمي‌شود. چون وضع را چنين مي‌بينند، به پيكار و مبارزة خونين بر مي‌خيزند. در اين باره، آنچه را مي‌خواهند به آنان مي‌دهند، اما نمي‌پذيرند و دست به شورش مي‌زنند. اينان حكومتي را كه به دست مي‌آوردند تسليم مهدي مي‌كنند. كشتگان اين قيام همه شهيد محسوب مي‌شوند. اگر من، آ‎ن زمان را درك كنم، خود را براي خدمتِ مهدي نگاه مي‌دارم. (و آماده مي‌كنم)»

(بحار الانوار،ج52،ص243/غيبت نعماني)

{بر گرفته از كتاب خورشيد مغرب نوشته محمد رضا حكيمي}

# «شباهت امام زمان(ع) به

# پيغمبران عليهم السلام.»(3)

شباهت به موسي(ع):

امام باقر(ع) در بيان حضرت قائم(ع) به جمعي از پيامبران فرمود:«... و اما روش موسي(ع) ترس مداوم و طول غيبت و پنهان بودن ولادت و رنج و زحمت شيعيان بعد از او بر اثر آزار و خواري كه از دشمنان ببينند تا آنگاه كه خداي عزوجل ظهور حضرتش را اجازه دهد و او را ياري كند و بر دشمنش تأييد نمايد.»

(كمال الدين.ج1،ص327)

-موسي(ع)، خدا درباره‌اش مي‌فرمايد:« ما به موسي(ع) كتاب‌را ‌داديم‌پس‌در‌آن‌اختلاف‌شد.» (سوره هود،آيه 110)

امام زمان(ع) نيز همينطور، در كتابي كه با اوست- كه اميرالمومنين(ع) جمع كرد يعني همان قرآني كه نزد حضرت حجت(ع) هست - اختلاف مي‌شود.

(مكيال المكارم،ج1،ص229)

-موسي(ع)چون‌دستش را برمي‌آورد،مي‌درخشيدوسفيدي آن بينندگان را خيره مي‌ساخت. (سوره اعراف، آيه 108)

قائم(ع) نيز نورش مي‌درخشد تا جائيكه مردم از نور آفتاب و ماه بي‌نياز شوند.

-خداوند به منظور امتحان قوم موسي ظهور آن حضرت را تأخير انداخت تا كساني كه گوساله مي‌پرستيدند از كساني كه خدا را مي‌پرستيدند جدا شدند.قائم(ع) نيز خداوندبه‌همين‌ منظورظهورش را به تأخير انداخته است.

شباهت به هارون(ع):

هارون(ع) را خداي متعال به آسمان برد و سپس بار ديگر به زمين باز گرداند. قائم(ع) نيز بعد از ولادت به آسمان بالا برده شدو سپس‌به‌سوي زمين بازگردانده شد.

-هارون(ع) از راه دور سخن موسي(ع) را مي‌شنيد. هم چنين موسي(ع) سخن هارون را از راه دور مي‌شنيد.

در مورد امام زمان(ع) هم همين طور است. امام صادق(ع) مي‌فرمايد:«آن هنگام كه قائم ما قيام كند خداوند عزوجل در گوش‌ها وچشم‌هاي‌شيعيان ما خواهد

افزود به طوري كه بين آنها و حضرت قائم(ع) پستي نخواهد بود، با آنها سخن مي‌گويد و آنها مي‌شنوند و به او نگاه مي‌كنند در حالي كه در جاي خودش باشد.»

(روضة كافي، ج8،ص240)

شباهت به سليمان(ع):

داود(ع) سليمان را جانشين خود كرد در حالي كه هنوز به سن بلوغ نرسيده بود. قائم(ع) را هم خداوند در كودكي در سن تقريباً پنج سالگي به امامت رسانيد.

سليمان(ع) به خداوند گفت:«خدايا به من ملكي عنايت كن كه براي هيچ كس بعد از من شايسته نباشد.»

(سوره ص،آيه 35)

امام‌‌زمان(ع) نيز خدا به او ملكي مي‌دهد كه مابين شرق‌ و‌غرب‌رامي‌گيردوعدالت‌محض‌حاكم‌برآن‌مي‌شـودچون‌كه

‌حكومتش‌تمام‌اهل‌آسمان‌ها‌وزمين‌راشامل مي‌شود.

-خداوندباد رادرتسخير‌سليمان(ع)قرارداده‌بود:« فسخرنا له الريح تجري بامره رخاءحيث اصاب.» (سوره‌ص، آيه 36)

قائم(ع) نيز خداوند باد را در خدمتش مي‌دهد.

امام صادق(ع) فرمود:«خداوند تبارك و تعالي بادي را بر انگيزد كه در هر بيابان نداكند: اين مهدي است كه به قضاوت داود و سليمان قضاوت مي‌كند و بينه نمي‌خواهد.» (كمال الدين، ج2،ص671)

-سليمان(ع) آفتاب برايش بازگشت. قائم(ع) نيز آفتاب و ماه را مي‌خواند و آنها او را پاسخ مي‌دهند.

شباهت به دانيال(ع):

دانيال مدتي مديد از بني اسرائيل غايب بود و در چاهي بزرگ او را شيري درنده زنداني كرده بود كه در غيبتش، گرفتاري شيعيانش شديد شد. قائم هم از نظر ما غايب شده و باغيبتش گرفتاري ما بسيار فراوان شده است.

شباهت به جرجيس(ع):

خداوند براي جرجيس(ع) مردگاني را زنده مي‌كرد. قائم(ع) نيز خداوند متعال مردگاني را برايش زنده خواهد كرد.

شباهت به عيسي (ع):

-عيسي(ع)مي‌فرمود:«من‌ به ‌شما خبر مي‌دهم ‌آنچه مي‌خوريد و آنچه‌ در خانه‌هايتان ‌ذخيره ‌مي‌كنيد.»

(سوره‌آل عمران،آيه 49)

امام‌زمان(ع)نيز برتمامي‌كارهاي‌ريزودرشت‌ماآگاهي دارد.

-از امام صادق(ع) در بيان شباهت امام زمان(ع) به حضرت عيسي(ع) نقل شده است كه:«يهود و نصاري اتفاق كردند بر اينكه عيسي(ع) كشته شد ولي خدا آنها را تذكيب كرد. غيبت قائم(ع) نيز همين طور است كه عاقبت اين امت آن را انكار مي‌كند به خاطر طولاني شدن و بعضي خواهند گفت: اصلاًمتولد نشده و بعضي ديگر خواهندگفت: متولد شد ومرد. (مكيال المكارم،ج1،ص247)

شباهت به خاتم النبيين حضرت محمد مصطفي(ص):

سخن جامع در اين مورد فرمايش خود پيامبر اكرم است:«مهدي(ع)ازفرزندان‌من‌است،اسم‌اواسم‌من،كنيه‌ا‌ش كنيه من، از نظرخَلق‌وخُلق شبيه‌ترين‌مردم‌به‌من است...»

بسمه تعالي

# مسابقه ميلاد نور

برهم زنيد ياران، اين بزم بي‌صفا را مجلس صفا ندارد، بي يار مجلس آرا

1)كدام يك از موارد از علل غيبت امام عصر(عج) مي‌باشد؟

الف) بيم از كشته شدن ب) جريان سنت اللهي

ج) گناهان و عدم آمادگي مردم د) همة موارد

2) از علائم حتمي ظهور امام زمان (عج) مي‌باشد:

الف) خروج سفياني ب) قحطي و خشكسالي

ج) هرج و مرج و آشوب د) يأس و نا اميدي در مردم

3) به فرمودة اما باقر(ع) شخص منتظر فرج امام زمان(ع) چه ثوابي دارد؟

الف)ثواب شهيد در راه خدا را دارد ب) مانند اين است كه در ركاب حضرت

رسول (ص) شهيد شده باشد

ج) ثواب شخص‌ روزه دار و شب زنده‌دار دارد د) هيچ كدام

4) سخن زير از كيست؟ « حركت و مبارزه طولاني و بسيار دشوار ملّت،

در جهت اعتقاد به امام زمان(ع) است»

الف) شهيد مطهري ب) حضرت آيت الله خامنه‌اي

ج) امام خميني(ره) د) شهيد بهشتي

5) سخن زير از كدام بزرگوار است؟ « به خدا قسم (با ظهور حضرت مهدي(ع) )

عدل داخل خانه‌هاي مردم مي‌گردد، همچنانكه گرما و سرما نفوذ مي‌كند.»

الف) امام باقر (ع) ب) امام جواد(ع)

ج) امام علي (ع) د) امام صادق (ع)

6) عبارت زير از كدام دعاي مشهور مي‌باشد: « عَزيزٌ عَليَّ اَنْ اَرَي الْخَلْقَ وَ لا تري »

الف) دعاي ندبه ب) دعاي افتتاح

ج) دعاي كميل د) دعاي عشرات

7) چه كسي در وصف حضرت مهدي (ع) فرمود؟ « المهدي طاووس اهل الجنه»

الف) پيامبر اكرم (ص) ب) حضرت علي(ع)

ج) حضرت فاطمه(س) د) امام حسن عسكري(ع)

8) كدام آية زير دبارة ظهور امام زمان (ع) مي‌باشد. اين آيه در زبور هم، بدون تحريف مانده است؟

الف) سورةصف،آية 9 ب) سوره هود،آية 8 ج) سوره ابراهيم، آية 5 د) سوره نور، آيه 55

9) نام نائب سوم امام زمان (ع) از نوّاب اربعه چه بود؟

الف) عثمان بن سعيد (ره) ب) حسين بن روح نو بختي (ره) ج) علي بن محمد سمري(ره) د) محمد بن عثمان (ره)

10) نخستين كسي كه بعد از ظهور با امام زمان(ع) بيعت مي‌كند كيست؟

الف) حضرت عيسي(ع) ب) جبرئيل ج) حضرت خضر(ع) د) هيچ كدام

11) امام زمان(ع) فرمودند: هرگاه خواستيد به سوي ما توجه كنيد، اين زيارت را بخوانيد:

الف) دعاي كميل ب) دعاي افتتاح ج) زيارت عاشورا د) زيارت آل ياسين

12) كدام يك از القاب زير همگي از القاب امام عصر(عج) مي‌باشد؟

الف) ولي ا…/احمد/صادق ب) مهدي/نور ا… /كاظم ج) بقيه ا… /قائم/صاحب الزمان د)همه موارد

13) حضرت مهدي(ع) در شكم مادر خود كدام سوره را تلاوت كردند؟

الف) قدر ب) عصر ج) نصر د) ماعون

14) كدام آية سورة بقره به آزمايش مسلمين ( در زمان غيبت ) اشاره دارد؟

الف) آية 121 ب) آية 155 ج) آية 251 د)آية 183

مهر من، چند پس پرده نهان خواهي‌ بود روز عشاق شد از هجر سيه، چون مويت

اي اميـد دل ما، آه كه در ظلمـت و غم جـان سپـرديـم و نديـديـم رخ دلجويت

( گروه پرورشي دبيرستان شهيد رجايي«2» ) منطقه 4 سال 1378-1379